

عده کافی نبود نتوانستیم رأی بگیریم حالا خوانده می شود.

(تقریباً بمضمون مذکور قرائت شد).

اول رأی می گیریم بتقاضای حاجی شیخ اسدالله راجع بامتداد سیم تلگراف بگلپایگان و خونسار و محلات که جزو دستور شنبه ۲۹ گذارده شود آقایانی که موافقت قیام نمایند (مشکوک شد) دو مرتبه رأی می گیریم آقایانی که این تقاضا را تصویب می کنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).

(تقاضای ادیب التجار راجع بفرستادن لوايح به نجف اشرف قرائت میشود).

رئیس - بنده اینجا باید عرض کنم که این مسئله مکرر اینجا مذاکره شد و هیچ نتیجه گرفته نشده است برای اینکه تبادل افکار نشده است حالا اگر آقایان حاضر هستند که در خارج تبادل افکار بنمایند در مجلس بدون مذاکره رأی گرفته نمیشود جزو دستور میگذاریم (صحیح است).

رأی می گیریم آقایانی که بتقاضای ادیب التجار موافقت قیام نمایند. (با اکثریت تصویب شد) آقای معزز الملک از بابت دستور اظهاری داشتید ؟

معزز الملک - بنده میخواستم یادآوری کنم بر حسب تقاضای چهل نفر از نمایندگان راپورت کمیسیون بودجه راجع بورئه مورل در دستور سه شنبه ۲۵ گذاشته شود در دستور پنج شنبه گذارید و اگر ممکن است در همان دستور سه شنبه ۲ بگذارید چون ورئه (مورل) خیلی پریشانند باین جهت اگر تصویب بشود بهتر است که در سه شنبه گذاشته شود.

رئیس - آن ترتیبی که در دستور داده ایم باید رعایت آن ترتیب بشود هم لایحه استقراض و راپورت شعبه پنجم حتی تقدم داشت بر سایر مطالبی که می آید چون خوانده نشد استقراض بالطبع بدستور سه شنبه منتقل میشود.

معزز الملک - بلی فقط برای این عرضی کردم که چهل نفر تقاضا کرده بودند والا عرض نمی کردم. (مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته ختم گردید.)

جلسه ۲۳۹

صورت مشروح مذاکرات روز سه شنبه

۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و پنج دقیقه قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح شده در دو ساعت و پنجاه و پنج دقیقه رسماً منعقد گردید.

صورت مجلس روز شنبه ۲۲ را آقای معاضد الملک قرائت نمود.

(غائبین جلسه قبل)

دکتر امیرخان - حاج معین الرعایا - آقای میرزا علی اکبرخان دعوت.

بدون اجازه غائب بوده - حاج آقا - حاج

شیخعلی شیرازی هر يك نیم ساعت از حضور در وقت مقرر تأخیر نموده اند.

رئیس - ملاحظاتی هست ؟ (اظهاری نشد) راپورت کمیسیون عریض است قرائت میشود بدون مذاکره در آن رأی میگیریم. (بعبارت ذیل قرائت شد)

عریضه آقای آقا سیدحسین نماینده کرمانشاهان راجع بتقاضای دومه مرخصی در کمیسیون عریض و مرخصی مطرح مذاکره شده معزی الیه هم توضیحات لازمه که راجع بقوت پدر و مادرشان و بی ترتیبی امور خانواده ایشان در کرمانشاهان بود داد کمیسیون تصویب نمود چهل و پنج روزه بابشان مرخصی داده شود.

نیز سه عریضه دیگر از آقایان حاج مصدق - المملک آقا سید عبدالحسین حاج محمد کریمخان بکمیسیون رجوع شده بود موضوع مذاکره شد نظر بکافی نبودن عده نمایندگان کمیسیون عریض تصویب نمود که سه نفر نماینده محترم از مجلس غیبت نمایند.

رئیس - اول رأی میگیریم از بابت مرخصی آقای آقا سیدحسین که چهل و پنج روزه کمیسیون تصویب کرده است آقایانی که باین راپورت موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند - با اکثریت تصویب شد).

ثانیاً رأی میگیریم بر مرخصی آقای حاج مصدق الممالک که کمیسیون تصویب نکرده است چه قدر تقاضا کرده بودید.

حاج مصدق الممالک - بنده هم همینطور که آقای آقا سید حسین تقاضا کرده بودند چهل و پنج روزه تقاضا کرده ام که اجازه مرخصی بدهند که کمال ضرورت است.

رئیس - رأی میگیریم در باب مرخصی چهل و پنج روزه آقای حاج مصدق الممالک که کمیسیون رد کرده است آقایانی که با راپورت کمیسیون عریض موافق هستند قیام نمایند [اغلب قیام نکردند] راپورت کمیسیون رد شد - حالا رأی میگیریم بر مرخصی آقای آقا عبدالحسین شما چند ماهه تقاضا کرده بودید.

آقا عبدالحسین - بنده در ماهه تقاضا کرده بودم عرض هم دارم.

رئیس - رأی میگیریم بر مرخصی دو ماهه آقای آقا عبدالحسین که کمیسیون تصویب نکرده است آقایانی که موافق هستند با راپورت کمیسیون قیام نمایند [اغلب قیام نکردند] راپورت کمیسیون رد شد.

حالا رأی میگیریم بر مرخصی آقای حاج محمد کریمان (چند ماهه تقاضا کرده اید)

حاج محمد کریمخان - بنده تقاضای خودم را پس میگیرم.

رئیس - آقای حاج شیخ رئیس بک طرح قانونی پیشنهاد کرده اند خوانده میشود رجوع میشود بکمیسیون مبتكرات (از قرار ذیل قرائت گردید.)

پیشنهاد طرح قانونی من بنده علاوه بر نقطه نظر دیانت و ترویج آثار اسلامیت چون حفظ شماره دینی و ظواهر مذهبی را در جریان امور سیاسی هر ملتی قوی التأثير میدانیم و هر قومی را که بقوانین دیانتی و وجه روحانیت بیشتر متوجه باشند و تدین را پیرایه بلکه سرمایه تمدن بدانند خوشوقت ترین اقوام و ملل می شناسم لذا پیشنهاد می کنم با موافقت نمایندگان محترم که بوزارت جلیله جنک اخطار و التزام قانونی بشود که با ملاحظه ترتیبات نظامی و رعایت لوازم اقتصادی برای عساکر دولتی به مناسبات لازمه از مبادی عالیه جمعی از اهل علم و صلاح را که قدرت حمل سلاح دارند انتخاب نمایند که پیش عساکر منصوبه باشند و در سفر و حضر علاوه اقامه صلوات و تعلیم سایر وظایف دینی و اوقات مقرر و وجوب جهاد و لزوم وطن خواهی و تکالیف راجعه بدفاع از استقلال مملکت را با آحاد و افراد قشون اسلامی خاطر نشان نمایند و تحریص نمایند مؤمنین را بمقابله و مقاتله بادشمنان وطن عزیز (حاج شیخ رئیس باینزده نفر دیگر از نمایندگان)

رئیس - رجوع می شود بکمیسیون مبتكرات آقای آقا شیخ ابراهیم راجع بقانون استخدام بعضی اصلاحاتی پیشنهاد کرده اند اگر مخیر کمیسیون موافق است که بکمیسیون رجوع می شود والا در قابل توجه بودن آن باید رأی بگیریم.

فهییم الملک - ضرر ندارد رجوع بشود به کمیسیون که در شور دویم با اصلاحات دیگر راپورت داده شود.

رئیس - آقای معتمد التجار سؤالی داشتید از آقای وزیر امور خارجه بفرمائید.

معتمد التجار - از قرار مذکور دولت انگلیس خیال دارد در سرحد مکران عده قشون وارد کند خواستم از آقای وزیر امور خارجه سؤال بکنم که اطلاع دارند یا خیر در صورتیکه اطلاع دارند این مطلب اصل دارد چه اقدامی فرموده اند.

وزیر امور خارجه - در طرف بلوچستان از مدتی باین طرف ترتیب قاچاق اسلحه را بعضی افغانها و بعضی بلوچها بعمل می آورند و در این باب از طرف دولت همه ساله برای جلوگیری آن اقدامات شده است و بعضی اوقات اردو فرستاده اند و بعضی اوقات مأمورین نظامی معین کرده اند و در این اواخر هم باز خبر رسید که قاچاق چیهامشغول کار هستند بحکومت سیستان و کرمان تعلیمات و بلکه اوامر اکید صادر شد که جلوگیری از این عمل بنمایند و بار دومی هم که برای آن طرف معین کرده بودند تعلیمات داده شود که جلوگیری از این کار بکنند ولی البته بعد مسافتی که دارد راه کرمان و سمت بم و آنجاها با بلوچستان نایکدرجه معلوم است و قاچاقچی ها یک تری زیادی کرده بودند خبر از لندن رسیده بود که یکی از کشتی های جنگی که در سمت عمان و آنجاها هست هزار نفر از مأمورین نظامی انگلیسی را در آن حمل داده اند و در دریا هست که اگر قاچاق را در آن حدود یعنی سمت بلوچستان و آنجاها مرتکب بشوند جلوگیری کنند ولی این قشون بضاک ایران وارد نخواهد شد فقط در کشتی جنگی

انگلیس و بنادر فارس است چند کشتی جنگی هم دولت انگلیس در آنجا دارد و این عده را متضمن است ولی بخاک وارد نکردند در کشتی و در آن سمت هستند و نگران آن قاچاقان هم میباشند از طرف دولت هم مأمورین بسمت بلوچستان میروند و اردو هم در سدد جلو گیری هستند امید هست منجر با آنجاهائی نشود که اقدامی در آن سمت بعمل بیاورند و هنوز هم بخاک ایران وارد نکردند فقط در کشتی و در دریای فارس هستند .

معمدالتجار - میخواهم بدانم مطمئن هستید که وارد نخواهند کرد یا خیر .

وزیر امور خارجه - اطلاعاتی که تا بحال بوده همین است که عرض کردم و در خصوص وارد کردن هم مذکری نشده است دولت هم در جلو گیری اقدام خود را نموده است آنها هم هنوز بخاک وارد نکرده اند و اظهاری هم نکرده اند که قشون خود را وارد خاک مکران خواهند کرد بنده هم آنقدری که اطلاع دارم و وظیفه ام هست عرض کردم .

رئیس - آقای آقامیرزا احمد سئوالی داشتید از آقای وزیر امور خارجه

آقامیرزا احمد - در باب جواهرات مشاهد مشرفه از چندی قبل شنیده می شود و در بعضی از روزنامه جات خارجه و داخله هم هست که شیخ الاسلام دولت عثمانی فتوی داده است که جواهراتی که در مغز های عقبات عالیات است آنها را بردارند بفروشد بمصرف بعضی از تعلیمات یا مریض خانه ها برسانند چون این جواهرات و آن چیزهائی که در آنها مغزون است آنتیک است وغالباً از ایرانی ها آورده اند و در آن مشاهد مشرفه که یکی آنها نجف اشرف است و بزرگترین مهدی است برای شیعیه برای تبرک و میمنت گذاشته اند حالا بنده سئوال میکنم از آقای وزیر امور خارجه که آیا دولت ایران راجع باین مطلب چه اقدامی کرده است دولت عثمانی او قبول نکرده است این فتوای شیخ الاسلام را و بر فرض قبول از طرف دولت ایران پیروستی شده است یا نشده است

وزیر امور خارجه - در این مسئله جواهرات مشاهد مقدسه اطلاعاتی که بوزارت امور خارجه رسیده بود از بعضی مأمورین خودمان و بعضی اشخاص غیر رسمی بود یعنی از مأمورین خودمان در این خصوص بعضی اطلاعات رسیده ولی از اشخاص مختلفه هم اطلاع داده بودند و در اینجا با سفارت کبری دولت عثمانی و صدارت دولت عثمانی در باب عالی مذاکره شده است و مطابق تلگرافی که اخیراً از سفارت دولت ایران از اسلامبول رسیده است دولت عثمانی از این مسئله منصرف شده است حالا بفتوای شیخ الاسلام رسمیتی داده یا نداده اند در خیال بودند یا نبودند عجاله که بطوری که سفارت صریحاً تلگراف کرده است که در این فقره بابا با عالی مذاکره کرده اند دولت عثمانی از مسئله منصرف شده است

رئیس - آقای آقا سید جلیل در مسئله قبرستان سئوالی داشتید از آقای وزیر امور خارجه

آقا سید جلیل - در جلسه گذشته آقای معتمدالتجار در خصوص قبرستان تبریز سئوالی کردند جوابی را که جناب آقای وزیر امور خارجه فرمودند بنده بنظر همچومی رسد که جناب وزیر این مسئله را چندان اهمیت نداده اند و بنده شخصاً

این مسئله را خیلی اهمیت می دهم و اهائی آذربایجان بخصوص اهالی محله [امیر خیز] در این خصوص قریب هزار دوست کلمه تلگراف کرده اند و در این دو جلسه گذشته آقای وزیر امور خارجه فرمودند که این رامشیرالعلماء کرده بود هیچ هم چو چیزی نیست این قبرستان بوده است و تا کنون هم کسی تصرف نکرده است بنده می خواهم بدانم که جناب آقای وزیر امور خارجه در این خصوص چه اقدام مفیدی تا بحال کرده اند و چه نتیجه از اقدامات خودشان گرفته اند .

وزیر امور خارجه - شاید آنروز که این مسئله را بنده عرض کردم آقای آقا سید جلیل درست متوجه نبوده و امروز هم که صورت مجلس را خواندند باز درست گویا ترجمه فرمودند والا بنده تصور نمی کنم با کمال اهمیت جواب نداده باشم و یک جوابی را بی اعتنائی عرض کرده باشم مثل این که در روزنامه (ایران بو) در جوابی که آنروز بنده بشاهزاده سلیمان میرزا دادم متأسفانه دیدم نوشته بودند که با بی اعتنائی جواب داده و حال این که بنده تمام آقایان نمایندگان را خیلی محترم و مقامشان را دارای احترام و بیاناتشان را هم اهم می دانم و جوابشان را هم خیلی اهمیت می دهم و این اظهارات را نمی دانم بچه حمل بکنم خصوص نسبت بشاهزاده سلیمان میرزا که بنده علاوه بر همه اینها یک خلوص قلبی نسبت بایشان دارم - اما در این مسئله [امیرخیز] بنده جوابی را که در آن روز عرض کردم در خصوص مشیرالعلماء راپورتنی بود که رسیده بود چنانچه اظهار کرده بودند حتی خود آقای مخبرالسلطنه هم تلگرافی را که مخبره کرده بودند و در وزارت امور خارجه حاضر است این طور سابقه امر را اطلاع داده اند و آنچه بنده کرده ام بیشتر این که یک وزیر امور خارجه با وزیر مختاری مذاکره کنند گویا نباشد دیگر اهمیتی را بالاتر از این تصور نمیکنم این است که در این موضوع بالخصوص با سفارت دولت روس مذاکره کرده ام و تعلیمات مقتضیه بایالت آذربایجان از یک طرف و قونسول ژنرالی از طرف دیگر داده شده است این کاری بوده است که کرده ایم و با آنجا نوشته ایم و مسلم است مناط تحقیقات این است که اگر زمین قبرستان است که هرگز نه دولت روس راضی می شود که قبرستان را تصرف بکنند و نه دولت ایران می تواند همچو تصدیق و تسلیمی را بکند و اگر قبرستان نیست که آنهم ایالت آذربایجان و قونسول گری که در آن جا هستند و الحاضری مالایری القائب می بینند و رسیدگی می کنند و رفع این مشاجره رامیان خودشان با آسانی می کنند مأمورین محلی برای همین مطالب است و بعد از اینکه این تعلیمات مقتضیه را داده ایم هنوز جوابی نرسیده است که بر طرفین معلوم شده است باینکه این زمین قبرستان یا این که بر طرفین معلوم شده است که قبرستان نیست بعد از این که جواب رسید اگر چنانچه بخواهند در موقع بعرض و اطلاع آقایان می رسانم .

آقا سید جلیل - چون فعلاً در آن جا مشغول بناگی هستند و هیچ اقدامات خودشان دست نکشیده اند و این مسئله را هم در تبریز خیلی اهمیت می دهند مثل این که چنانچه عرض کردم در این خصوص هزار و یکصد یا دوست تلگرافات با آن امضاء متعدده کرده اند بنده می خواستم اهمیت این مسئله را در نظر آقای وزیر امور خارجه جلوه بدهم که این خیلی اهمیت دارد زیرا که این زمین قبرستان مسلمین است و حسیات اهالی آذربایجان در این گونه امور خیلی بشدت غمیان دارد از این جهت بنده از آقای وزیر امور خارجه خواهش دارم که در این مسئله اهمیت فوق العاده داده و نتیجه از این مذاکرات و اقدامات خودشان بگیری .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو چهار فقره سئوالی داشتید از آقای وزیر امور خارجه خوب است تمامش را یک دفعه بفرمائید که جوابش را بفرمایند و داخل در دستور بشویم .

ارباب کیخسرو - یک فقره از این سئوال در باب مناقشات سرحدی دولت عثمانی با دولت ایران است که چندی است بعنوان مناقشات عشایری یک زد خوردی در بین بوده است در این باب خواستم از آقای وزیر امور خارجه سئوال بکنم چه ترتیبی داده اند - - - - - جلو گیری از این کار بشود و بعد از این دیگر اسباب زحمتی فراهم نیاید مسئله دویم اگر چه موقعی گذشته است یعنی در ضمن استقرض ترتیبی برای آن در نظر گرفته اند ولی بنده باز هم لازم می دانم سئوال کنم که حقوق سفراء و کارگزاران دولت ایران که در ممالک خارجه هستند از طرف دولت چند وقت است که نرسیده است و در رسانیدن حقوق آنها چه اقدامی کرده اند چون آنها نماینده دولت هستند و باید خیالات آنها را در این باب آسوده کرد تا بتوانند با آسایش خاطر اعتبارات دولت را حفظ کنند مسئله دیگر در باب تبعه خارجه است که در دوائر دولتی و علاوه بی تذکره در اینجا هستند و چندی قبل خود آقای وزیر امور خارجه اظهار فرمودند که باید ترتیبی برای آنها داد که در این باب اسباب زحمت ادارات دولتی نشوند در این باب خواستم سئوال بکنم و بینم ترتیبی که هیئت دولت در این باب اتخاذ کرده اند که اسباب زحمت نشود چیست مسئله دیگر از قراری که شنیده می شود بعضی از اتباع خارجه که بدون تذکره یا با تذکره برای مقاصد ناصحیحی باینجا می آمدند باز وارد می شوند خواستم بینم آقای وزیر امور خارجه در این باب اطلاع دارند یا خیر و کلیتاً چه ترتیبی را اتخاذ کرده اند که از ورود کلیه اتباع خارجه کاملاً وزارت امور خارجه مسبوق بشود و بدانند کی وارد میشود و کی خارج میشود تمنا دارم جواب این چند فقره سئوالات بنده را بفرمایند .

وزیر امور خارجه - در باب مناقشات سرحدیه آقایان میدانند که چهار سال زیادتر است که این مسئله در حدود محل مذاکره و مناقشه است که کمیسیون هم تشکیل شد و اعزام شد بسرحد برای رفع این مناقشه و بواسطه اتفاقاتی که هم در خاک عثمانی و هم در خاک ایران در این

چند سال واقع شده نتیجه کم مطلوب بود در این باب باسارت عثمانی و باعالی در اینمنا آره داخل شدیم بالاخره قرار بر این داده شد که بعد از ورود جناب احتشام السلطنه بسفارت اسلامبول که مستزاست کمیسیون را هم خواهند داشت بااطلاعات و سابقه که دارند در این باب داخل مذاکره شده تا اینکه برنعم مناقشات انشاءالله موفقت حاصل شود در باب حقوق سفراء و مأمورین بنده اینجا خجالت میکشم عرض کنم که چقدر مانده است و چقدر باقی است آنرا رجوع میکنم بداره محاسبات وزارت امور خارجه و اگر اطلاعاتی بخواهند تحصیل کنند در آنجا موجود است در باب اتباع خارجه که در خدمت دولت هستند اینالیه دو طورند یکی آن قسمتی است که با رضایت و اطمنان و اعتماد دولت متبوعه خودشان داخل خدمت هستند آنها البته محترمند و مشغول در کار خودشان میباشد و دولت ایران هم از خدمت آنها فایده میبرد بعضی نگو تو کی بودماند که شاید در این اواخر پیدا شده اند که برضایت دولت متبوعه خودشان داخل شده اند و علاوه بر اینکه طرف اعتماد دولت خودشان نیستند طرف اعتماد داخله هم نیستند آنها در هر نقطه که وزارت امور خارجه اطلاع بهم رسانده است بآن اداره که آن اشخاص در آنجا مستخدم هستند اطلاع داده و اخطار کرده است آنها هم بوظیفه خودشان عمل کرده اند و آنها هم معدود قبلی بوده اند که بواسطه اقداماتیکه بعمل آورده رفشان شده است و اگر هم یکی دوتا باشند شاید محل اعتناء نباشند اما در باب اشخاصی که بی تذکره وارد می شوند در این مسئله هم می دانید که سرحد داران روس در باب تذکره کمال استقامت را دارند و کمال اهمیت را می دهند و کمال مراقبت را دارند و اینکه در این اواخر یک مقداری بطور بی تذکره و بدون سند رسمی وارد شده اند در موقع انقلاب در رولسیون بود و البته در تمام ممالک این طور اتفاقات می افتد ولی بعد از فرقه انقلاب رولسیون سرحد داران طرفین البته بوظایف خودشان مشغول شده اند و تعلیمات صحیح هم داده شده است که با رعایت تذکره صحیح و همانطوری که از پیش قانون تذکره معمول و مجری بود که اگر تذکره صحیح نداشته باشند باید برگردانند مراقبت داشته باشد و از آن طرف هم همین طور کمال اهمیت را بتذکره می دهند و بالخصوص هم در چندی پیش تر از ففاز در این باب اظهار شده که () فرستاده شده است که مراقب نظم این فرقه باشند و نگذارند اشخاصی که بدون تذکره هستند وارد شوند و وزارت داخله هم در این باب اطلاع داده شده است که از طرف خودشان هم بامورین سرحدی تعلیمات بدهند و وزارت خارجه بوظیفه خودش اقدام کرده است .

رئیس - آقای ادیب التجار دو فرقه سؤال

داشتند ولی چون مسئله مهتری هم هست خوب است بماند بآخر جلسه - دستور امروز لایحه استقراضیه ولایحه مخارج .

سلیمان میرزا - این بیان نامه است که

شعبه پارلمانی فرقه دموکرات خواسته اند که بدون کم و زیاد در این جا خوانده شود تا اینکه عقیده شعبه پارلمانی در این خصوص معلوم باشد (بمبارت ذیل قرائت نمود)

[بیان نامه شعبه پارلمانی فرقه دموکرات ایران]

در این موقع که یکی از مهمترین مسائل امروزه مطرح مذاکرات مجلس شورای ملی گردیده شعبه پارلمانی فرقه دموکرات ایران لازم دانست بموجب این بیان نامه نظریات خود را در آن خصوص پیشنهاد مجلس بنماید مقدمه اخطار می شود که فرقه دموکرات ایران در مسائل مالیه از جاده عملی خارج نشده بر ضد استقراض های تجارتنی که خالی از هر گونه شرایط سیاسی باشد نیست بلکه در حالت سکونتی مملکت دخول سرمایه خارجی را در داخله مملکت اصیاب گشایش امور اقتصادی و تجارتنی دانسته از اهم مسائل مملکتی می داند و حتی تصدیق می نماید که یک استقراض خارجی تجارتنی برای اصلاحات اساسی و تسهیل پیشرفت امور دولتی از فرایض شمرده می شود و نظر بهمین نکته است که با این استقراض حالیه با آنکه بکلی هم خالی از شرایط سیاسی نیست ضدیتی ندارد و با مسامحت اینکه فرقه دموکرات ایران با اساس این استقراض مخالفتی ندارند اذکر مراتب ذیل ناگزیر است مهمترین تکالیف پارلمان که

هر مملکت مشروطه همانا نظارت در امور مالیه خصوصاً در مخارج و صحت مخارج می باشد در حقیقت فرق عمده ما بین ممالک مستبد و مشروطه در همین مسائل مالیه ظاهر می شود در ممالک مستبده مالیه مملکت ملک یک شخص و یا اشخاص معدوده است ولی در ممالک مشروطه مالیه مملکتی دخل ملی محسوب میشود میزان و محل و صحت مخارج را پارلمان که نماینده ملت است معین مینماید بماند از آنکه محل های اخذ مالیه و محل های خرج آن از روی قانون پارلمانی شد باید اطمنان کامل برای ملت حاصل شود که دخل ملی بمخارج ملی از روی نقشه پارلمانی میرسد نظارت و تقشیر و حساب کشی پارلمانی باید بقستی مضبوط و محکم باشد که یک دنار در دخل و خرج ملی حیف و میل نشود در حقیقت اولین وظیفه ما این است که اصول نظارت و تقشیر را بقسمی محکم بکنیم که کلیه منافذ دست برد های غیر قانونی را بر مالیه ملت مسدود کنیم پس از این مقدمات داخل موضوع شده اظهار می داریم که پول این استقراض اگر چه از حیث مقدار اهمیتی ندارد ولی اهمیت تاریخی هم رسانیده یک موقع بزرگی را دارا شده است بهمان نسبت یک مسئولیت مخصوص را از جانب نمایندگان ملت بخود جلب مینماید شعبه پارلمانی فرقه دموکرات لازم می داند که وجوه این استقراض در محل های که فقط متضمن اصلاحات اساسی و تکمیل تأمینات مملکتی است با یک نقشه نظارت عملی که ضمانت صحت آن مخارج را نماید صرف شود در این صورت اساساً مخالف پرداخت هر گونه حقوق عقب افتاده مستخدمین دولتی و هر گونه مخارجی که از روی بدهی تصویبی مجلس نبوده و هیچ نظارت و تقشیر در آن نشده از محل این استقراض می باشد و فرضاً ترتیب نظارتی را که در لایحه ذکر شده تصویب کنیم فقط نظارت بر آن منطبق خواهد گرفت که از برای مخارج آتی منظور شده و مبلغ خطیر دیگری که برای پرداخت حقوق عقب افتاده و با وجوهی که بطور مساعده گرفته اند و بدون کنترل خرج شده تقاضا شده است تعلق نخواهد گرفت نظر بملاحظه فوق الذکر پیشنهاد ذیل با نهایت توفیر تقدیم مجلس شورای ملی می شود لایحه استقراض بر لایحه تعیین و تشخیص محل های خرج مقدم شود و لایحه تعیین تشخیص محل های خرج و نقشه نظارت تقشیر معوق بماند تا بعد از ورود متخص مالیه و امنیه که از آمریکا و اروپا خواسته شده اند تابشور و صواب دید آن ها لایحه خرج و تقشیر که متضمن اصلاحات اساسی مملکتی است و ضمانت تکمیل امنیت مملکت را بنماید با یک نقشه نظارت علمی پیشنهاد مجلس شورای ملی شود .

آقا میرزا مرتضی قلی خان - بنده

اولاً عرض می کنم که این استقراض باین اندازه ها اهمیت ندارد بجهت اینکه این استقراض پلنتیکی نیست استقراض تجارتنی است و قرض تجارتنی دولت همیشه خیلی بیش از این ها خواهد کرد و آن قدر اهمیت ندارد و اما این تقاضائی که از

طرف آقایان شده است در این که لایحه استقراض بر لایحه مخارج مقدم شده بنده هم مساعده و آقایان خودمان هم مساعده و موافقت خواهند کرد بجهت اینکه اول هم در باب تقدم این و تاخر آن مذاکره نبود و مخالفی نداشت فقط آقای رئیس بملاحظه این که خواستند اول مخارج معین شود بعد در مقابل آن استقراض شود ولی در اینکه اول لایحه استقراض خوانده شود و بگذرد بعد مخارج تصویب بشود هیچ محل نظر و گفتگویی نیست ولی بشرط اینکه لایحه استقراض که خوانده شد لایحه تقشیریه و مخارج با هم بمجلس شور و مذاکره بیاید و اینکه فرمودند تا زمان رسیدن مستخدمین امریکائی معوق بماند این خارج از ترتیب میشود برای اینکه نظرات آنها را که نباید داخل دراصل مطلب کرد یعنی نظرات آنها در موقع تقشیر است و در ضمن عمل همان مقصود عمل می آید و مخارج با نظرات آنها خواهد شد و تمام مقاصد بعمل می آید و مخالفتی نمی نماید پس باین جهت بنده هم این تقاضا را که امروز لایحه استقراض را مقدم بدارند بر لایحه مخارج در صورتی که هیئت وزراء حاضر باشند و موافقت نمایند تصویب می کنم .

وزیر امور خارجه - مسلم است که اتفاق

مجلس بر این امر بشود وزرا هم همراه و موافقت و لکن از این مسئله که لایحه تقشیر بماند تا اینکه مستخدمین امریکائی بیایند این یک قدری اسباب تأخیر می شود برای این که همه نمایندگان می دانند و اطلاع دارند که این استقراض که میشود و نمایندگان ولایات و بعضی نقاط شاید بیشتر از وزرا اطلاعات داشته باشند و می دانند که آنچه لازم است این است که فوری اقدام در امنیت نقاط بشود اساس این استقراض برای این مسئله از طرف دولت پیشنهاد شده است پس در این صورت لایحه استقراض که گذشت هجرتاً صورت کنترل و تقشیر آنها از جهت که بیونی که کابینه دولت تشکیل داده است پیشنهاد کرده اند و امروز فرستاده اند و فردا در کابینه وزراء قرائت خواهد شد به مجلس خواهد آمد و بنده تصور می کنم این مأمورین خارجه که امروز ما داریم و صحت عملشان هم مخفی نیست و ترتیبات مملکتی بصیرت و اطلاعات کافی پیدا کرده اند و محل اعتراض هم نیست عملیاتشان در هیئت دولت محل تمجید بوده است نظریاتشان بقدری کافی و محل اعتماد برای ما می تواند بود که این مخارجی را که لازم است با همین کنترل بعمل بیاورند برای اینکه مسلم است مستخدمین که وارد خواهند شد تا یک مدتی که ترتیب داخلی اینجا که معمول است باید اطلاع پیدا کنند و تا آن اطلاعات را حاصل بکنند شاید خیلی اتفاقات حاصل بشود که اسباب تأسف بشود پس نمی توان اینرا معطل آن کار کرد و چون از پیش هم هیئت دولت متفق بوده اند و دستور العملش را هم ترتیب داده اند و تقدیم مجلس خواهند کرد و تصور میکنم مخارجی که لازم است و دولت پیشنهاد کرده است اگر بهمان ترتیب بانجام برسد برای هیئت دولت و نمایندگان مجلس ایرادی نماند .

فهییم الملک - فرقی که یک مسئله مهمی مثل استقراض متفق علیه آقایان می شود واقعاً خیلی مورد تمجید و تشکر است و همان طوری که فرمودند برای اینکه ترتیب قانونی بعمل آمده باشد بنده هم تقاضا میکنم که لایحه مخارج را بکمیسیون عودت بدهند که مجدداً با حضور وزراء و سایر آقایان مطرح مذاکره شده نظرات ثانوی در آن شده و راپورت جدید داده شود و در این قسمت آخربیشهاد شاهزاده سلیمان میرزا یادآوری میکنم که لایحه تقشیر گویا تهیه شده است او را باید حتی الامکان جلو انداخت و منتظر آمدن مأمورین نیاید بشود برای اینکه خواهند آمد و هر چه بکنند در مرکز خواهند بود و این لایحه تقشیر که ترتیب می شود فقط برای مرکز نیست برای ایالات و ولایات هم خواهد بود و در آنجا باز محتاج خواهم بود بامورین سابق اروپائی که الان هم داریم زیرا که آنها اطلاعات خارجه هم دارند و مشغول هم هستند و ضمناً عرض میکنم که اینچنانظر فقط به تقشیر این جزئی وجه نیست بلکه یک اساس اساسی است که برای کلیه مخارجات دولتی فراهم می آوریم حالا آن لایحه اصل استقراض را مطرح مذاکره خواهند فرمود و بنده هم استدعا می کنم در آخر آن این یک ماده اضافه شود [ماده پیشنهادی ایشان بمبارت ذیل قرائت شد]

ماده واحده - وجوه استقراض در بانک باقی

خواهد بود تا وقتی که لایحه راجع بخرج آن و لوائح تقشیریه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد .

رئیس - اینجا دو مسئله هست یکی این که

آقای سلیمان میرزا پیشنهاد کردند که این مسئله بماند تا وقتی که مستخدمین امریکائی بیایند یک تقاضا هم از طرف آقای میرزا مرتضی قلی خان شد که مخبر هم موافقت با آن تقاضا و آن این است که وجوهی که تصویب می شود که استقراض بکنند در بانک شاهنشاهی بماند تا وقتی که لوائح تقشیریه آن از مجلس بگذرد حالا آقای سلیمان میرزا شما در آن تقاضای خودتان باقی هستید یا اینکه مسترد میدارید و این تقاضای ثانوی را قبول دارید ؟

سلیمان میرزا - بنده در تقاضای خودم

باقی هستم .

رئیس - پس دیگر داخل مذاکره نمیشویم

در خاطر آقایان هست که در جلسه گذشته قرار شد که لایحه را که راجع بمخارج است قبل از لایحه استقراضیه مطرح مذاکره قرار بدهیم و حالا تقاضا شده است که بعکس بشود پس باید رای گرفته شود و در اینکه لایحه استقراض را اول بخواهیم و در آن رای بگیریم بعد مخارج را مطرح مذاکره فرماییم .

فهییم الملک - آن لایحه را تصور می

کنم که در صورتی که تقاضا شد بکمیسیون برگردد قهرآباد بر گردد بکمیسیون دیگر محتاج بر این نخواهند بود .

رئیس - کمیسیون تقاضا می کند که لایحه

مخارج برگردد بکمیسیون حالا چه باید کرد .

(گفتند باید لایحه استقراض خوانده شود) باید همین طور بماند تا راپورت کمیسیون برگردد پس باید رای گرفته شود پس آقایانی که موافق هستند در اینکه لایحه استقراضیه قبل از لایحه مخارج مطرح مذاکره بشود قیام نمایند [اغلب قیام کردند] با اکثریت ۴۳ رای تصویب شد حالا در کلیات لایحه استقراض مذاکره میشود .

سلیمان میرزا - بنده چنانکه قبلاً عرض کردم

با اساس یک قرض خارجی تجارتنی مخالف نیستم و حرف ندارم ولیکن چون هر قرض محل خواهد بود از برای یک مخارجی و ممکن است وقتی که آن لایحه خرجش پیشنهاد بشود نظریات در آن فرق بکنند عرض میکنم که اساساً همانطور که عرض کردم باین قرض خارجی از برای اصلاحات اساسی موافق بودم اما متأسف هستم باینکه یک قرض بکنیم و آنرا بصارف حقوق عقب افتاده برسانیم حالا اگر لایحه خرج همان لایحه خرجی بشود که بکمیسیون عودت داده شده است که قرض بشود بنده محققاً مخالفم و تصویب نمیکنم که مابک قرض بکنیم و بدهیم بحساب های گذشته و بهترین می دانم که حسابهای گذشته را از محل هائی که در مقابلش هست و وصول نشده است بپردازند و این قرض را از برای مخارج اساسی که تکمیل امنیت را دائر دارند در هر صورت از طرف وزارت باید توضیح داده شود که آیا نظریات هیئت دولت بر این است که پس از این که این استقراض شد چنانچه بکامده اش هم این بود بصارف گذشته صرف خواهد شد یا اینکه بصارف آتی در صورتیکه بصارف گذشته صرف خواهد شد عرض کردم که آن را ممکن است از محل هائی که داریم بپردازیم و تا توضیح هم داده نشود بنده نمی توانم عقیده خودم را عرض کنم .

افتخار الواعظین - در مقام مباحثه و مذاکره

این لایحه استقراض ممکن است که چند نظر پیدا بشود چیزهائی را که بنده یادداشت کرده ام چون چنین استنباط می کنم که مجلس شورای ملی تمام متفق هستند در باره این استقراض مثل اینکه سابق هم که ترتیب این استقراض را وزیر مالیه سابق مرحوم صنیع الدوله بمجلس عرضه داشت اغلب نمایندگان بلکه می توانم بگویم بالاتفاق این جا تصویب شد و حتی روزی هم که مواد آن جمله شدات آویز واقع شد همان روزی بود که بکمیسیون قوانین مالیه آمده بود و لایحه این استقراض را بتصویب کمیسیون قوانین مالیه رسانیده بود و همه تصدیق داشتیم و امروز هم حس میکنم که همه آقایان تصدیق خواهند داشت از این جهت بنده در آن قسمت اول از یادداشت خودم را لازم نمیدانم عرض کنم بجهت اینکه بدیهی است که هیچکس نمی تواند بگوید که امروزه برای دولت مابک استقراض باین ترتیب صحیح لازم نیست بجهت ترتیب این ترتیب که دولت ایران هفت کرور قرض داشته است بیانک در صدی هفت نزول میداده است حالا دولت میخواهد دوازده کرور از بانک شاهنشاهی قرض کند و هفت کرور آن را عوض قرض سابق بدهد و پنج کرور دیگر برای دولت بماند در حالتی که نزول صدی هفت صدی پنج میشود و صدی دوفایده دولت است و وثیقه هم که دولت برای آن هفت کرور همان وثیقه را از برای آن دوازده

کرور هم معین کرده است بدون اینکه چیزی بر آن وثیقه افزوده شود یعنی از اعزامات گمرک جنوب بازاء اینطلب بعد از آنکه مصارف لازمه اداری گمرک موضوع شود دریافت میکند پس از نزول اینجاصدی دو برای دولت فایده است و دیگر اینکه افساطی هم که میداده است دولت برای آن هفت کرور معین همان افساط را بدون دیناری علاوه بلکه قدری کمتر میدهد از برای استهلاك این استقراض دوازده کروری پس در اقساط هم چیزی زیاد نشده بلکه قدری هم کمتر شده است و در مدت حالا دولت اگر چه این مدت را زیادتر کرده است ولی مشروط باین شرط است که تا پنج سال دولت ایران حق ندارد این قرض را بپردازد ولی بعد از پنج سال دولت اگر بخواهد تمام این استقراض را بآنک شاهنشاهی بپردازد بتواند پس از برای دولت بیکطرف تجارتی بدون اینکه شرط پولتکی داشته باشد بازول صدی پنج که بهتر از این ترتیب و آسان تر از این ممکن نیست و اگر بگوئیم در استقراض مطلقاً لازم نیست که شاید بعضی آقایان عقیدشان این باشد و منده گمان نمی کنم کسی مطلع باشد و این حرف را بگوید پس معنیش آنوقت این است که خرید اسلحه از برابان لازم نیست تأسیس قشون لازم نیست تأسیس امنیه از برای حفظ امنیت طرق لازم نیست تأسیس اداره ژاندارمری از برای مالازم نیست و صاحب منصبانی که برای اینکار خواسته ایم لازم نیست بالاخره استخدام مستخدمین سوئدی لازم نیست پس امروزه برای دولت جهت بعضی تنظیمات و تأسیساتش بکفایتی پول لازم است که آن پول را باید بمصرف رساند تا اینکه بتواند مرتباً مالیه های عقب افتاده و لا وصول خودش را از اطراف و حوالب وصول کند و بمصرف جاریه عادی خودش برساند و اگر کسی بگوید که ممکن است این مصارف را از مالیات گرفت و داد بنده عرض میکنم که ممکن نیست بجهت اینکه در سال گذشته مبالغی از مالیات دولت در محل باقی مانده است و امروز باید دولت بکفوفه فوق العاده منظمی از برای خودش تحصیل بکند تا بتواند بآن وسیله آن مالیات های عقب افتاده سته ایتیل و امثال خودش را عاید دارد و بمصرف جاریه عادی خودش برساند پس این استقراض باین ترتیب امروزه از برای ما لازم است - دویم ممکن است کسی بگوید که استقراض امروزه از برای ما لازم است ولی اینقدر کم است و کفاف احتیاجات ما را کلاً نمی دهد بنده هم این را تصدیق می کنم که امروزه از برای دولت ما يك قرض صد کروری لازم است ولی امروزه اگر کسی بگوید که این قرض پنج کروری را بگیرد و بمصرف احتیاجات لازمه امروزه خود برساند و منتظر باشید که يك قرض کلی صد کروری بکنید بنده بایشان جواب عرض میکنم که خوبست عوض گرفتن يك محل قرض صد کروری با شرایط صحیح و نزول صد پنج ارائه بدهید بدولت قرض داده شود آنوقت بنده قطع دارم که تمام نمایندگان آن قرض را تصدیق خواهند کرد سوم اینکه ممکن است کسی بگوید استقراض لازمه است ولی نه از خارج بلکه از داخله آنجا هم بنده عرض میکنم این بسیار خوب حرفی است لیکن بشرط اینکه از داخله بنامید که يك کسی بدون شرط يك قرض صدی پنج بدهد اول کسیکه آن قرض را تصویب

میکند بنده خواهم بود ولی خوب است عرض گفتن ارائه بدهد که از فلان کس با فلان محل میدهد چهارم - می شود که کسی بگوید که استقراض لازم است ولی باید ملاحظه کرد که بچه مصارف میرسد و ترتیب تقشیش آن بچه شکل خواهد بود گویا بنده و تمام آقایان مؤلفه بلکه تمام نمایندگان مجلس شورای ملی هم در این عرض بنده متفقند بلی ما این عرض را نمیکنیم که مثل قرض های سابق نباید بقیه بچه مصارف رسید بدست کی بمصرف این قرض را بنده در صورتی تصویب میکنم که بآن تأسیسات و اصلاحات و مصارف فوریه ضروریه دولت برسد با تقشیش صحیح ولی فقط این نکته را یادآوری میکنم که برای دولت همین پنج کرور پول است و آن بیست کرور و ۲۴ کرور عایدات دیگر دولت پول نیست وظیفه فرد فرد نمایندگان است که در مصرف این پول بلکه در تمام عایدات دولت سعی بکنند که بمصارف صحیحه لازمه فوریه برسد و با تقشیش صحیح هم بمصرف برسد پس ما اینجا این دوفتار را نباید منحصر بوجه این استقراض بکنیم مثل اینکه بنده که یکی از وکلای ملت هستم عرض می کنم که عموم برداران ایرانی بنده بدانند که از ابتدای دولت جدید تاکنون که اینجا استفاده هم هیچ بنده نمی دارم که عایدات دولت ایران بقدر بوده است و بچه مصرف رسیده است و تقشیش چه شکل شده است بلکه می توانم اینجا بکنم که اگر این اهتمامی را که ما در مصارف این استقراض و تقشیش این رض بخرج می دهیم که ما این وظیفه ما این است که همیشه این اهتمام را در کلیه مال دولت بخرج بدهیم اگر تا بحال می دادیم حالا تقریباً يك کرور بقدیا دو کرور نقد یا دو کرور پول های نفله شده در خزانه دولت ما بود پس قرض لازم است ولی بنده هم کاملاً با این عقیده شریکیم و نماینده آن مجلس شورای ملی هم احساساتشان این است که باید مجلس بدانند که این پول بچه مصرف میرسد و بنده هم کی تقشیش خواهد کرد و بدست کی بمصرف خواهد رسید و اما اینکه حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند مشروط بمصروف داده شده گذشته مصرف نشود عرض می کنم دو بیست و بیست هزار تومان از این وجه را کابینه آقای مستوفی الاموال و صد و بیست هزار تومانش را کابینه آقای سیه دار اعظم که مجموعاً می شود سیصد و بیست هزار تومان گرفته اند و بمصرف رسانیده اند ولی بنده قطع دارم بر حسب تحقیقاتی که خود بنده کرده ام که این پولها در يك مواقعی خرج شده است مثل اینکه آن پنجاه هزار تومانی که برای مصارف قشون فارس داده شده است در يك موقعی داده شده است که اگر در آن موقع داده نمیشد ضرر از برای دولت ایران شاید باندازه متصور بود که با هیچ پول ممکن نبود آنرا جبران کرد پس تمام این پولها بمصارفی رسیده است که نهایت فوریت و ضرورت و لزوم را داشته است پس این مثل این است که طاق این اطلاق خراب شده است بگویند صد تومان برای تعمیر این طاق بده و من می دانم که اگر این صد تومان خرج نکنم این طاق پائین می آید و دوهزار تومان خسارت بدولت

وارد می آید آنوقت مبلغ این صد تومان را ندمتاً این طاق پائین می آید و این خسارت خراب بشود و این ده هزار تومان ضرر بدولت برسد برای اینکه این صد تومان را ندمتاً این ابداً صحیح نیست برای اینکه دولت دید اگر آن پنجاه هزار تومان را برای قشون فارس حواله ندهد و نمی داد ضررهای برای دولت و ملت ایران متصور بود که با هیچ پول جبران نمی شد و دیگر بنده عرض می کنم که چه فرق مابین مخارجی که شده است و مخارجی که باقی است و باید بشود میباشد امروز قشون و نظمیه و امنیه در ولایات و ایالات حقوق عقب افتاده خودشان را بعضی جاهد هفت ماهه بعضی جاهد پنج ماهه طلبکارند از دولت آن طوریکه کابینه حساب کرده است گویا قریب نصد هزار تومان طلب آنها میشود هیئت دولت از مجلس شورای ملی درخواست کرده است که يك کرور این پول بمصروف پس افتاده آنها برسد این حقوق آنها را شاید از این يك کرور تسویه کنند کمیسیون قوانین مالیه آن يك کرور را تصویب نکرده است گویا در بیست سیصد هزار تومان يك مبلغی را تصویب کرده است بنده عرض میکنم اگر شما حقوق عقب افتاده نظمیه و امنیه و قشون ساختوی ولایات و ایالات را تسویه نکنید اعم از اینکه بيك کرور تسویه کنید یا بدو تومان بنده نمی دانم آن اختیارات با هیئت دولت است اگر آنها را تسویه نکند آنوقت يك جمع کرسنه مسلحی را در تمام ولایات بر خلاف دولت داریم که دولت باید تمام این پنج کرور را خرج بکند و بيك صد بدهد که در مقام اسكات آنها برآمده بنده با اسلحه کرسنه اینجا استفاده عرض میکنم مرا ساکت کنید مرا بشراحت و ابدارید برای اینکه از این پول بمن داده نشود بلکه مجلس شورای ملی باید صواب و صلاح مملکت را در نظر داشته باشد و بگوید من فلاقه بر هیئت دولت اجازه می دهم که قرض بکنند و بعد این قرض را برای مصارف اساسی نه عادی برای مصارف اساسی قرضی مملکت خرج بکنند اگر يك وقتی لازم می دانند که سیصد هزار تومان از این را بآن حقوق عقب افتاده بدهد برای اینکه تمام این پنج کرور بیهوده خرج نشود آنوقت ما نباید هیئت دولت را مجبور بکنیم که این سیصد هزار تومان نباید استقراض بشود و در مصارف صحیح هم صرف بشود بنده می دانم که تمام مجلس و هیئت مؤلفه بلکه اکثریت و اقلیت همه در این مسئله موافقت و احدی مخالفت ندارد

رئیس - بنده با اظهار عقیده که آقای انتخوار الواعظین فرمودند عرضی ندارم ولی در ضمن لفظی فرمودند که گویا میخواهند تأمین بکنند

وحید الملک - وقتیکه بنده اجازه گرفتم برای استقراض در مقابل آن لایحه مخارجی بود که از طرف دولت پیشنهاد شده بود آقایان البته تصدیق خواهند کرد که در هر جای دنیا معمول است که اول لایحه مخارج را پیشنهاد میکنند و می بینند که چه نوع مخارجی را دارند و چه نوع کسری دارند آنوقت مثل این است که طاق این اطلاق خراب شده است بگویند صد تومان برای تعمیر این طاق بده و من می دانم که اگر این صد تومان خرج نکنم این طاق پائین می آید و دوهزار تومان خسارت بدولت

بشود آنوقت ماهه به بنیم که آیا اهمیت آن تقاضا دارد که ما يك بچه قرض را بکنیم یا اینکه ندارد ولی بنده بطور مذاکره بکنم در يك استقراض در صورتی که هیچ مواد مخارج معلوم نیست يك تقاضائی شده است از طرف کمیسیون قوانین مالیه که بر گردد بکمیسیون يك تجدید نظری در آن بشود با شور و صراحت بید متخصصین اینکار دوباره پیشنهاد مجلس شورای ملی بشود بنده هیچ نمیتوانم که آیا تغییری در این مواد مخارج داده خواهد شد یا خیر برای اینکه اگر آن مواد مخارج ثابت باشد بنده هم در همان نظریات و عقیده که تا حالا تحصیل کرده ام ثابت خواهم بود و اگر آن مواد تغییر خواهد کرد شاید نظریات بنده هم مخالف شود و هیچ رای در این موضوع استقراض ندارم و بقیه دارم که پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا هم از همان نقطه نظر بود و از این نظر نبود که فوراً این لایحه مخارج بر گردد بکمیسیون و لایحه استقراض بمیان بیاید بنده هیچکس را نمی بینم در این مجلس اشاره بطرف دست چپ که بتواند در این طرف مجلس رای بدهد چه جواب آقایان وزراء را بدهد چه نظریات در این مسئله داشته باشد چه جواب آقای انتخوار الواعظین را بدهد یا اینکه مواد مخارج را درست بفهمد و مواد تقشیش را در هیچ جای دنیا رسم نیست که يك لایحه دخلی چه استقراض چه غیر استقراض اول پیشنهاد بواسطه وزیر مالیه و آنوقت مخارج این بشود بنده این را بکلی مخالف میدانم پس خودم را در این موضوع موقوف میکنم تا وقتی که لایحه مخارج از کمیسیون مجلس بیاید و موضوع مذاکره شود آنوقت نظریات خودم را عرض میکنم پس حالا بهیچوجه من الوجوه در این لایحه نمیتوانم رای بدهم بنده چنانچه لایحه که حضرت والا خواند باینک استقراض که خالی از هر گونه شرایط سیاسی باشد چنانچه گفته شد همراه هستم و حتی برضد این استقراض هم نیست ولی در صورتیکه مخارج آنرا بدانم و مواد تقشیش او را هم بدانم بنده بکلی برضد يك استقراض هستم که وجوه آن استقراض بمجله های صرف بشود که موجب تکمیل تأمینات مملکتی نیست بنده یقین دارم که کلیه آقایان چه در اینجا و چه در خارج میخواهد که يك ترتیباتی بنیان بیارند و بيك نقشه کشیده شود که تکمیل تأمینات مملکتی بشود در صورتی که آن نقشه کشیده نشده است و آن ترتیبات معلوم نیست و چه نظریاتی گفته شود پس بنده استدعا میکنم که يك طوری بشود که در آنوقت ما بتوانیم در آن مذاکره بکنیم و از روی يك وجدان صحیحی رای در آن موضوع بدهیم ولی باین ترتیبی که هست من نمیتوانم نه اظهار عقیده بکنم نه رای در آن بدهم

مقیم السلطنه - بنده کم کم دارم مفهوم برای مسئله استقراض چه پیش می آید بنظر بنده این پیش آمد خیلی غریب می آید برای اینکه بتوا نیم مخارج را بدانیم ترتیبی از طرف هیئت رئیسه پیشنهاد شد که شاید قابل تجدید بود و آن این بود که لایحه خرج برگشت بآن شرایطی

اول خواننده تصویب شود و بعد بر طبق آن لایحه استقراض مطرح شود و بعد از طرف آقایان رفقه دموکرات پیشنهاد شد که لایحه استقراض جلو بیفتد و لایحه مخارج بمسند

وحید الملک - همچو نیست بعد در ضمن آن بیان نامه اشاراتی شده که برای بنده باز اشکالاتی فوق العاده بیش آورد و از آن جمله در همان آنی که تصدیق میکنم که همراه هستند با فرضهای تجارتنی باز در همان بیان نامه اظهار میکنند که این استقراض هم خالی از شرایط سیاسی نیست و بنده این را جداً تکذیب میکنم و گمان میکنم که همچو چیزی نباشد و رو به نمی فهمم که این نظریات چگونه اینجا تفاوت کرده است آن طوری که آقای وحید الملک میگویند نمی دانم مقصود چیست از ابتدای تشکیل این مجلس همه ما ها می دانیم که از برای پیش بردن کار های این دولت و از برای راه انداختن ادارات يك قرضی لازم بود این يك مطلب تازه نیست که بمجلس آمده است مدت ها اینجا مذاکره شد و ابتدا از طرف کابینه آقای مستوفی الاموال پیشنهاد شد و همه متفق بودیم و اساساً بنده متکبر می در این ندیدم و تمام همراه بودیم و تصور میکردیم که اگر يك همچو پیشنهادی از طرف وزراء بشود بالاتفاق رای خواهیم داد حالا معلوم می شود که عقاید تغییر کرده است و علاوه بر اینکه تغییر کرده است می بینم که صمیمیت هم در کار نیست و این مطلب را هم برای مملکت خیلی خطرناک می بینم و تصور می کنم که بایستی اگر ما بخواهیم چرخهای ادارات مملکت را بهتر از گذشته راه بیندازیم باید با يك خوش قلبی در این جا با هم همراهی بکنیم یعنی هیچ وقت تصور نکنیم که ممکن است بواسطه این نوع تمویضات يك نفعی از برای مملکت عاید شود بالاخره این استقراض را خواهم کرد و این مصارف را تصویب خواهیم کرد و آن ممکن است همان طوریکه آقای انتخوار الواعظین فرمودند وقتی بشود که برای هر صد تومانی پنجاه هزار تومان دولت ضرر کند و حالا چون هنوز تردیدی برای ما حاصل است و درست نمیدانم که رای آقایان در این باب چیست این است که در این موقع بیش از این عرض نمیکنم و امیدوار هستم که آن (۴۲) رای که حاصل شد در اینکه لایحه استقراض را مقدم بداریم آن يك رای مقدماتی بوده است که منافاتی بآن قراری ک داده بودند که لایحه مخارج را مقدم بر لایحه استقراضی بدارند نداشته باشد چنانچه امیدوار هستم بالاخره اتفاق حاصل بشود چنانچه از طرف هر دو حزب گفته شد

سلیمان میرزا - توضیح دارم

رئیس - نسبت بنطق شما سوء تفاهمی شده است بفرمایید

سلیمان میرزا - بعضی مطالب فرمودند که در موقع جواب آنها را خواهم عرض کرد حالا نقطه بعضی سوء تفاهات شده است که لازم میدانم عرض کنم که اگر پیشنهادی از طرف اقلیت شده است که لایحه خرج بر گردد بکمیسیون و لایحه استقراض مقدم باشد دائر بر آن نبود که آن مطلب همین امروز مطرح مذاکره شود با تطبیق وقتی که لایحه خرج برگشت بآن شرایطی

که بنده پیشنهاد کردم که نام او برین متخصصین ایرانی بگانی يك نقشه بکشند و بعد ما رای بدهیم با تطبیق بنده این بود که لایحه استقراض هم امروز مطرح مذاکره نشود و باید این مطلب هم همان پیشنهادی است که آقای وحید الملک کردند که گمان میکنم روی مبز مقام ریاست گذاشته شده باشد و ابداً با آن پیشنهاد و استقراض ورای مخالف نیستم

رئیس - برای توضیح کافی است

محمد هاشم میرزا - چون بعضی از آقایان تصور می فرمایند که هیچ مخالفی نخواهد داشت و این مطلب از بدیهیات خواهد بود و بنده این را از نظریات می دانم و لابد عرض کنم این مذاکراتی که می شود در کابینه سابق یا اسبق این مذاکره بوده این دلیل بر صحیح عمل نمیشود اگر صحیح نبود در آن کابینه و آن کابینه و کابینه اول هم صحیح نبوده فرق نمیکند در هر وقت کابینه که بوده است صحیح نبوده است و عقیده کسی که صحیح بوده است آنوقت و حالا صحیح است یا رسال در ابتدائی که آمده بودیم در مجلس شورای ملی این پیشنهاد قرض شد ولی ما ابتدا اطلاع از بودجه و از ترتیبات مملکت نداشتیم و بالاخره قرار شد داخل در مذاکره اش شوند و در کابینه دوم هم داخل مذاکره شدیم و این که آقایان فرمودند رای داده شده بنده تصور میکنم رای داده نشده باشد اگر رای گرفته شده بود امروز در مجلس چه می کرد اما اینکه بعضی آقایان می فرمایند چهار خیلی مشکلات خواهیم شد و به بعضی محظورات خواهیم افتاد از تویق این کار گویا در اول مشروطه هم این گفتگو ها بوده است يك وقتی آقای حاج امام جمعه فرمودند که در مجلس سابق هم يك مرتبه وزراء آمدند گفتند اگر يك قرض نشود تا پنج روز دیگر يك امری واقع میشود و درشته امور از هم گسیخته میشود این حرفها سابق بوجود ما هم شده است در زمانیکه ما از نمایندگان گمان شده ایم باز شنیده ایم این را برای بنده با هم این دلیل قطعی نخواهد بود لایحه عرض میکنم که اگر چیزی را احساس کردند بهیئت وزراء که يك استقراض لازم است و بعد باور نمایندگان را بنده از وظایف کمیسیون بودجه میدانم نه از وظایف کمیسیون قوانین مالیه مگر در شرایط استقراض که در شرایط آن نظریات خودش را بکند و بعد در کمیسیون بودجه ببینم آیا این مهمانی که برای وزراء پیش آمده است میتوانیم رفع بکنیم یا نمی توانیم بلکه يك نماینده عقیده اش این باشد که آن بودجه را که آوردند بمجلس از باب مخارج آن بعضی زیادتی ها نوشته شده است من باب شاهد حال يك نفر ما را عرض میکنم در باب شاهر و بسطام که دوهزار تومان مالیات دارد ۳۰ هزار تومان مخارج مالیاتش را نوشته اند يك کسی اگر عقیده اش این باشد که این مخارج زیاد باشد و کمتر از این باید خرج نشود یا اگر نماینده عقیده اش این باشد در کمیسیون بودجه که پنج کور شاید محتاج بدو کرور هم نخواهد بود از این مطالب خیلی است که خارج از موضوع شاید باشد عرض نمیکنم و هیچ نماینده نمی تواند مورد سرزنش باشد هر نماینده میتواند نظریاتی داشته باشد ولی بدون اینکه بکمیسیون بودجه بیاید بدون اینکه مصارف را معین بکنیم نمی

توانیم اول استقراض بکنیم بعد مصارفش را پیدا بکنیم خیر این نمی شود باید تمام دقایق ملاحظه شود بعد از آنکه معلوم شد این پنج کرور محل حاجت دولت است بنابراین آنوقت ما حاضر هستیم که اگر نتوانستیم چاره بکنیم مجبور بشویم با استقراض ها از هر قبیل استقراض باشد بلکه با استقراض تجارتهای که ضدیت نداریم دور نیست اگر یک استقراض تجارتهای و اقتصادی صد کرور در دست کروری باشد برای احداث راه آهن و راه انداختن چرخهای مملکت مخالفتی نداریم ولی برای این جزئیات در صورتی که احتمال میدهد که ممکن باشد از همین مملکت چاره بشود جهتی ندارد بدون دیدن عموم وبدون این نظریات ما قبول نمی کنیم این هم که بعضی از آقایان اول فرمودند از بدیهیات است که این را لازم داریم بعد فرمودند من که یک نفر از نمایندگان هنوز از بودجه مملکت کاملاً اطلاع ندارم با وجودی که چندین وقت است آمده ام هفت ماه در کمیسیون بودجه بوده ام ولی بنده که یک نفر از نمایندگان هستم اطلاع دارم همین بودجه است که نوشته و بدست تمام ماها داده اند و همه اطلاع داریم و می بینیم اینقدر بی ترتیب نوشته شده است که نمیتوانیم تسویه بکنیم تو که تصویب میکنی این استقراض را میدانی که این چاره جوئی میشود یا نه بنده تا ترتیب اینرا ندانم داخل در تصدیق و تکلیف استقراض نمی شوم .

معاون وزارات داخله - شاهزاده سلیمان

میرزا و شاهزاده محمد هاشم میرزا بعضی مذاکرات کردند که آنها خیلی اسباب تأثر بنده که معاون وزارت داخله هستم گردید فرمودند که مخالف هستم که حقوق پس افتاده مستخدمین داده بشود . بنده در جواب سرکار والا عرض می کنم که خوب است مساعدت بکنید که حقوق پس افتاده مامورین دولت داده شود زیرا که هفت هشت ماه بلکه قریب یکسال است که در بعضی نقاط حقوق امنیه و نظمیته نرسیده است و از وزارت خارجه هم سؤال شد آقای وزیر خارجه هم اظهار کردند که چند سال است که حقوق سفرای خارجه نرسیده است و شاید مسبقاً باشید که این انقلاب اخیر خراسان هم بواسطه نرسیدن حقوق آنجا بود چه طور قوتی می دهید که امروز دولت با این احتیاجی که با استقراض دارد مساعدتی باود در خصوص استقراض نشود بنده عرض می کنم الان متأسفانه در کرمانشاهان شاهرود و سبام قزوین و همدان و اغلب ولایات و ایالات مستخدمین منتخص اند و منهم حق میبدهم بآنها زیرا که چندین ماه است حقوق بآنها نرسیده است و همینطور هم که فرمودند یک عده اشخاص گرسنه مسلح هستند که حکومت محلیه نمی تواند از آنها جلو گیری بکند قریب پنج ماه است که حقوق باجزاء وزارت داخله نرسیده است اینها مستخدمین و رنجبران دولت هستند آنها را هم شما باید در جزء رنجبران مملکت حساب کنید و تصویب بکنید که این پول بآنها برسد در مجلس شورای ملی مخالفت کردن باینکه حقوق آنها نباید برسد بنده هیچ ملتفت نیستم که برای

چیت در ترتیب تقییش اگر نظریاتی دارید بفرمائید و کمیسیون معین بکنید برای تقییش نه اینکه اساساً در یک موقعی که قائمه استقلال با امنیت مملکت بسته است شما با اساس استقراض اینطور مخالفت بفرمائید مخصوصاً از فرقه محترم دموکرات هم خواهش می کنم که در این موقع ضدیتی نکنند بلکه مساعدتی بکنند که چرخ دولت بگاریفتند .

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی است .

(گفته شد کافی نیست) پس ده دقیقه تنفس داده میشود و بعد مذاکره میشود .

رئیس - مجدداً مقارن فریب جلسه تشکیل شد .

رئیس - مذاکرات در کلیات استقراض است ولی قبل از اینکه شروع بمذاکرات بشود لازم می دانم که بعضی مطالب را بر عرض مجلس برسانم چند روز قبل هم اینجا عرض کردم هر مطلبی هست باید علنی باشد تا اینکه همه مطلع بشوند و آن مطلب این است که چند روز قبل تلگرافی از تبریز رسیده بود بنمایندگان آذربایجان که در موقع استقراض شما باید ضدیتی بکنید و حتی طوری باید ضدیتی بکنید که در موقع رأی از مجلس خارج بشوید که عده برای رأی گرفتن کافی نشود و بنده علاوه بر این که این مسئله را خلاف مشروطیت میدانم خلاف ترتیب هم می دانم راضی نخواهم شد که در تحت ریاست بنده در مجلس شورای ملی یک همچو بی نظمی وقوع پیدا بکنند این بود که امروز بارتیس فرقه دموکرات که بیشتر از ایشان از کلاه آذربایجان هستند مذاکره کردم و گفتم من همچو استنباط کردم که در موقع رأی دور نیست که نمایندگان آذربایجان از مجلس بیرون بروند و بنده هرگز باین مسئله راضی نخواهم شد ایشان در جواب گفتند که تمام نمایندگان آذربایجان جزء فرقه دمکرات نیستند بلکه یک عده شان هم جزء هیئت مؤتلفه هستند بنده ایشان گفتم که چون اکثر آنها جزء فرقه دمکرات هستند و شما هم رئیس آن فرقه هستید بشما این مطلب را میگویم که شما بآنها حالی بکنید که این بی نظمی واقع نشود گفتند خیلی خوب ولی حالا که شما از من این ترتیب را خواهش میکنید خوب است که از رئیس هیئت مؤتلفه هم همینطور یک خواهش بکنید که آنها هم یک نوع مساعدتی کنند که اسباب اختلال نظم در مجلس فراهم نشود این بود که از رئیس هیئت مؤتلفه آقا میرزا مرتضی قلیخان این خواهش را هم نمودم و در هیئت رئیس اینطور مذاکره گردید که چون لایحه که از بابت مخارج مجلس بیاید اسباب اختلاف نظر است و اختلاف نظر آقایان هم از تلگرافی است که از آذربایجان رسیده و دور نیست اسباب بی نظمی در مجلس شود بهتر است که لایحه استقراض را مقدمتاً به مجلس بیآوریم و یک ماده هم بآخر آن اضافه بکنیم باین ترتیب که بعد از این که اجازه داده شد که دولت قرض بکند تا قرائی در باب مخارج داده نشده است و صورت مخارج تصویب مجلس نرسیده است و مخارج تقییش از مجلس نگذشته است دولت مجاز نیست که یک پول از این استقراض را تصرف کند باین ترتیب آنها متقاعد شدیم که اگر مجلس بیاید اسباب بی نظمی

هشترودی - اولاً بنده این را عرض میکنم

که در این مجلس بنده نماینده تمام ایران هستم نه اهالی آذربایجان تنها چون بنا یکی از مواد قانون اساسی که نوشته شده که از هر ولایتی یک نفر از اینجا و کیل مین شد بعد از آنکه داخل دارالشورای ملی شد و کیل تمام ملت است و بنده هیچ وقت ملاحظه مملکتی را بملاحظه آذربایجانی تنها مقابله نخواهم کرد اینک راجع باینکه طلب آمدیم بر سر استقراض بنده خودم شخصاً نه از روی خدانکرده یک خدشه قلبی که مرا اودار بکنند یعنی چیزها که او را از روی یک مختصر آنچه فرض واجبات و فلان باشد ابدأ مرا می دانم خودم را و وجدان خودم راهیچ از این جهت صحبت نخواهم کرد و این صحبت من راجع به شرح بدین و آیین و عقیده خودم است منتها ناقص فهمیده ام آن راجع به نقصان خودم است و نباید که نقصان بنده مانع بشود از این که من بگویم عقیده ام ناقص است حالا چون بنده خود را ناقص میدانم عقیده ام را هم ناقص نمی دانم ولی شاید نقصانی بوده است من اطراف مطلب را نفهمیده ام این است که بنده از پیش در این باب با زور این یک چیزی نوشته ام که تمام بنده همان است اگر یک جائیکه شاید بنده خود بر بخورد که آقایان بفهمند و ایراد کنند آنرا در آخر عرض میکنم رأی در استقراض فرع دانستن دخل و خرج بودجه مملکت است بنده که یکی از نمایندگان ملت هستم و میخواهم یک قرضی اگر چه خیلی جرئی هم باشد در اینجا این را توضیحاً عرض میکنم چون بعضی از آقایان گفتند این قرض چیزی نیست و چندان اهمیتی ندارد بنده بسمت و کالت خودم وسعت نمایندگی خودم از طرف ملت خیلی اهمیت میدهم این فرض را ولو آنکه خیلی جرئی هم باشد بر گردن ملت بار کنم بحکم عقل و شرع و قانون تا داخل در خرج ملت را ندانم و احتیاج ایشان را نسبت باین فرض نفهم نمیتوانم رأی خودم را اظهار کنم و چون تا بعالم نرفته بنده بلکه تمام نمایندگان بطور تقریبی از بودجه مملکت اطلاع ندارند بنده و هر کس هم اطلاع دارد بیاید

بمذاق بنده در این کرسی نطق مینماید بنده را تکذیب بکنند که خیر بنده از بودجه مملکت بخوبی اطلاع دارم و از اول افتتاح مجلس مقدس همیشه اصرار در دادن بودجه مملکت داشته ایم ولی متأسفانه بودجه صحیحی بمجلس مقدس نیامده علیهذا نسبت بخودم رأی دادن را در این استقراض منافی عقل و شرع و وکالت خودم دانسته چنانچه سابقاً رأی نداشته حالاً هم ندارم و این را بنده توضیح میدهم یک قسمی خورد ام که تا بودجه مملکت را نفهمم در خصوص استقراض و پول رأی ندهم شاید هم رأی نداده ام و بعضی چیزهای جزئی که خیلی آنچه را که لازم و مستحق دانسته ام رأی نداده ام و در مخارج که پیشنهاد شده و مباحثه شد اگر چه بنده خیلی از آنها را لازم میدانم و بر فرض لزوم باز نمی توانم اظهار رأی نمایم همین دلیل که عرض شد زیرا که کالت می تواند ایراد بکند و بسکه بد که بر فرض لزوم آن مخارج شاید دخل مملکت کافی بود و احتیاج قرض نداشت تو چرا کور کورانه رأی دادی آنوقت من که وکیل هستم از جواب ایشان عاجز هستم مگر اینکه در ظرف چند روزه بودجه صحیحی بدهند و بنده را تانع کنند بلزوم استقراض و عدم کفایت بودجه و تنها اینهم کافی نخواهد بود مگر اینکه هیئت تقییش صحیحی تشکیل شود برای رسیدگی بمخارج لازمه چنانچه در لایحه کابینه سابق همین شرط شده بود آنوقت میتوان اظهار رأی نمایم اینک نوشته شده است و تقدیم هم میکنم که همینطور بنویسند و در اواخر هم عرض میکنم بنده خودم شاید از همه بیشتر دلم بسوزد برای مملکت و از آنجائی که مرا مطمئن نکرده اند که بودجه مملکت کمتر است از خرج یا زیاد تر است اطلاع هیچ ندارم لهذا یک قرضی را که با بنده ملت فلک زده میخواهند وارد کنند بنده نمیتوانم رأی بدهم و از مجلس هم بیرون نخواهم رفت در مجلس هم می نشینم و رأی نمیدهم

حاج امام جمعه

حاج امام جمعه - اینجا چند مطلب داریم سه مطلب داریم و این مطالب بهم خلط نشود بهتر است اول مطلب این است که به بیستم ما امروز بواسطه یاره مشکلات و احتیاجات و شدت آنها و بواسطه ضیق ماله محتاج یک وجهی هستیم باینستیم این یک مطلب است و گمانم این است که ما محتاج پول هستیم و یک پولی لازم داریم این را اگر ما خودمان که اینجا نشسته ایم و نماینده ملت این مملکت هستیم تصدیق نکنیم تمام این مملکت و سایر ممالک این را تصدیق خواهند کرد که ما امروز محتاج یک قرضی هستیم اگر ما خودمان بگوئیم که این را نمیدانیم گمان این است که ما در دنیا خودمان را متفصح کرده ایم و اگر نکوئیم که ما مشکلاتی داریم و دولت قادر نیست بحل آنها مشکلات مگر بواسطه این پول این راهم مگر بدیهیات شدیم یک بدیهی را انکار کرده ایم بنظر بنده اشکال در سیمی است هیچ اشکال نباید کرد در اینکه امروزه ما ضیق ماله داریم و محتاج پول هستیم خصوصاً اشخاصی که در مرکز هستند یعنی در تهران هستند و جزئیات امور را میدانند تشکیک کنند مثلاً اگر در آذربایجان انجمن آذربایجان تا یکدرجه از این مطلب مسبوق نباشد هیچ ضرر ندارد بجهت اینکه جزئیات اینجا را شاید مسبوق نیستند اما ما که اینجا هستیم و مسبوق میدانیم امروزه چه حال دارد شدت احتیاجات خودمان را هم میدانیم که چقدر است و اگر این را انکار کنیم گمان این است یک قدری بنا بر بخورد اشکالی که هست اینجا است

بنده سابق هم که این مسئله عنوان شد شاید نظر آقایان هم باشد همینکه این مسئله اینجا عنوان شد باز همین عرض را کردم و آن این است که باید طوری قرار بدهیم که این پول بحد احتیاجات مملکت صرف بشود و یک قدم باین پول در اصلاحات مملکت برداریم و این را یقین باید بدانیم که اگر این پول را ما در اصلاح مملکت صرف کردیم و یک قدم برداشتیم بعد از آن استقراض های دیگر هم برای ما ممکن خواهد بود اما اگر این استقراض هم شامل سایر استقراض های سابقه باشد و این وجوهاتی که در این دو سال برای ما آمده است اگر اینطور خرج کنیم و باین پول یک قدم بسوی اصلاح برداریم یقین دارم که برای ما دیگر استقراض نیست و یک عاقبت وخیمی خواهیم داشت حالا اصل اشکال در اینجا است و اینکه بنظر قاصر بنده رسیده است این است که اینک تصور بفرمائید که بنده با آقایان وزراء اطمینان ندارم خیر شهادت کمال اطمینان را بیکی یکی آقایان این کابینه دارم و اکثریت مجلس هم اعتماد کامل را دارد بآنها چیزی که اطمینان ندارم این بی علمی خودمان است این را اطمینان ندارم و اعتقاد این است تا ترتیب رساندن وجه بمصارف معینه قبلاً از روی علم مرتب نشود و نقشه صحیح آن پیش از وقت کشیده نشود امکان ندارد وجوهات بطور صحت بمصرف خود برسد مثلاً از جمله مخارج معینه وزرا سه کرور مخارج قشون است مسلم است این وجه را وزرا بدست خودشان با افراد قشون نخواهند داد بلکه بوسائل و وسایط عیدیه باید برسانند و تا طریق رساندن آن وجه علمی و از روی نقشه صحیح نباشد امکان ندارد بطور مقصود بهمان مصرف برسد مثلاً هر کس در عالم خودش از خودش کسی را امین تر نمیداند و بنده گمان میکنم که اگر من مفتش اینکار باشم یقین دارم از عهده لیش بر نمی آیم چیزی که بنده فکر کرده ام اگر آقایان تصویب بفرمایند آنچه بنظر بنده در رفع این محذور شدید یعنی در طریق محفوظ شدن این وجه از حیث و میل و رسیدن آن بمصارف مقصود میرسد این است که دولت در سال مبلغی داده مستخدمین آمریکائی را اجیر کرده است برای امثال این موارد است که قبلاً نقشه مصارف و راه رساندن وجه بمصارف را از روی علم و بصیرت تعیین کرده و طرق حیث و میل را مسدود دارند و بدیهی است همین که راه رسانیدن بمصرف علمی و از روی بصیرت شد حیث و میل نمیشود اگر هم بشود خیلی کمتر خواهد شد فرضاً همین مصارف را که کابینه معین کرده است مجلس تصویب نماید و آمریکائی بخواند این وجه را در این مصارف صرف نماید بنده میگویم راه خرج را آنها بهتر میدانند این اشتباه نشود در این پیشنهاد که وزراء کرده اند برای مخارج خرج قشون است بنده شدت تصدیق دارم بنده هم میگویم باید بقشون صرف شود نباید با منتهی صرف شود بنظریه صرف شود ولی اینکه ما میگوئیم که مفتش یا کمیسیون تقییش قرار بدیم و تقییش از خودمان بکنیم بنده نمیتوانم مطمئن بشوم نمیگویم العیاذ بالله خیانت میکنند میگویم نمیتوانم مطمئن شوم که از روی تقییش علمی تقییش شده باشد چون آنها راه و چاه رسانیدن را بعلم معین مینمایند محققاً کمتر خرج و میل خواهند شد در اصل استقراض هم بگمان بنده بودن آنها اسباب تسهیل زیادی خواهد بود و در شرایط و غیر با اطلاع آنها و علم آنها مشرکات کثیره خواهد شد و از قرار معلوم تا یکماه مستخدمین میرسد اگر در

تصویب این قرض یکماه مجلس و وزراء صبر و تامل نمایند چندان ضرری نخواهد داشت و اگر یاره مخارج خیلی فوری در این یکماه دولت لازم داشته باشد ممکن است با یکصد هزار یکصد و پنجاه تومان دیگر از بانک گرفته بمصرف رساند چنانچه تقریباً سیصد هزار تومان گرفته اند و سیصد از رسیدن آمریکائی تصویب استقراض با استحضار آنها بشود

فهم الملک - قسمت اول فرمایشات آقای حاج امام جمعه تماماً واضح است و محتاج بهیچ دلیل و برهان نیست اما برای اطلاع خاطر شریفشان در قسمت اخیر فرمایشاتی که فرمودند مذاکره آنیکه در کمیسیون در باب تقییش شده است لازم است آنها را کاملاً عرض کنم نه این بود که کمیسیون ماهیچ نظر نداشت بپورود مستخدمین آمریکائی که در راه هستند بلکه آنها را هم خیلی در نظر داشتند بلکه قسمتی که در کمیسیون مذاکره بود گمان میکرد که شروع باینکار میکنند و تا حالا شاید آنها هم رسیده بودند و مشغول بودند اما آنطوریکه فرمودند مادرست راه کار را نمیدانیم یعنی شاگرد کار هستیم معلم نیستیم بنده یقین دارم که آقایانیکه در اینجا هستند همه جور اطلاعات دارند ولیکن در ترتیب تقییش بنده یقین دارم که در این مجلس پنج نفر نیست که بتوانند بششند یک ترتیبی برای تقییش بنویسند زیرا که این ندر مملکت ما معمول بوده است و نه مدرسه برای اینکار بوده که این کار تحصیل بشود ما امروز کسی را که تعریف می کنیم که مفتش خوبی است یک خرجی را میبرد می بندد یک قسمتش را قبول می کند یک قسمتش را رد می کند آنها هم معلوم است که راجع بحساب گذشته است و حال اینکه تقییش این نیست که در حساب گذشته رسیدگی کنند یک قسمتش را رد یک قسمتش را قبول کنند تقییش این است که در ضمن عدل تا آخر عمل تقییش شود نه اینکه یک مأموری ببرد بهیند این خرج را کرده است یا نکرده است این تقییش نیست ترتیب اداره چیزی است که خودش باید تقییش باشد محاسبات اداره طوری باید باشد که تقییش در ضمن او بشود حالا یک محاسباتی که هیچ اساس ندارد چطور در وقت تقییش بشود فرض بفرمائید یک پولی بدهید بمأموری صد هزار تومان که بمصرف برساند بعد یک مفتشی هم بفرستند که برود تقییش بکنند باید یک قدری بدست مفتش بدهند و یک ترتیبی از برای تقییش او معین بکنند والا هیچ ممکن نیست که آن مفتش برود درست بتواند تقییش بکنند باید دستور العمل بآن مأمور هم داده شود که اداره خود را باید فلان طور نگاهداری دفاتر خود را فلان طور نگاهداری بمانند اینها ترتیبی تا کتون در اینجا معمول نبوده است می نمایند که باشد تا آمریکائی بیایند آنها که بیایند اجازه برای ما نخواهند کرد و نمی توانیم در حق آنها اجازه قائل شویم آنها یک اشخاصی هستند عالم و اطلاع هم دارند از مملکت خودشان و یقیناً تصدیق خواهند فرمود که اگر مقایسه شود با آمریکا نداریم که خیلی که راست می توانیم بگوئیم که ایران از روزی که با بدایره تجدید گذاشته است از روی دول اروپائی که نزد یک بوده

است اساس انتظامات خودشان را از آنجا گرفته اند ترتیبات اداری و اغلب کارهایی را که ملاحظه بفرمائید مخصوصاً آنچه راجع به جاسبه است خیلی شبیه است به ترتیبات اروپائی اگر يك مأمور اروپائی وارد شود اینجا ممکن نیست که تا دو ماه دیگر مشغول کار بشود باید مدتی بماند تا اطلاع کامل پیدا کند تا بداند چطور باید اینجا را اداره کرد مگر مایند مفتش عرض می کنم که آنکه تازه وارد می شود باید بفهمد تقلبات اینجا را مفتش یعنی چه یعنی کسی که تفتیش بکند تقلبات و حرکات سوء اداری را باید جلو گیری کند ترتیب تفتیش برای آنها معین کند باید آنها بفهمند تا از برای تفتیش معین بکنند حالا این راجع است با اروپا تا چه رسد با آمریکا اساساً ترتیبات آنها از تفتیش و غیره بکلی مخالف است با ترتیب اروپائی کلیه قوانین و ترتیبات آنها مخالف است با ترتیبات اروپائی ها بوجه ندارند مسئولیت وزراء ندارند يك ترتیبات مخصوصی دارند بعضی مالیات های مستقیم که در بعضی جاها دارند آنجا ندارند اداره ثبت اسناد که ما در اینجا داریم آنجا هیچ ندارند يك همچو مستخدمی باید بیاید در ایران و کار بکند و ما هیچ متوقع نخواهد بدون اینکه اطلاعات از ترتیبات اینجا پیدا کند او می تواند در اندک زمان تهیه ببیند که ما از آن آسوده باشیم حالا ما نظر امریکائی ها را این جا در دست نداریم و نمی دانیم ولی مأمورین اروپائی که فعلاً در خدمت ایران هستند آن ها خوب مطلع هستند اداره گمرک ماهه مطلع هستند که خوب اداره است یکی از ادارات منظم ایران است که ما هیچ اداره بهتر از او نداریم از نظم و ترتیب هیچ وزارت خانه و اداره شده ترتیب اداره گمرک نیست عایدات آن سال بسال رو بازدیاد است و ترتیباتش معین و تفتیشاتش معین دخل و خرجش معین اطلاعاتی راهم که این مأمورین دارند از ایران بقدر کفایت است بقدر اینکه شاید تا دو سال دیگر هم مأمورین جدیدی این میزان اطلاع را پیدا نکنند و خرج و دخل مملکت راهم آنها خوب مطلعند چه آنکه از خارج اطلاع پیدا کرده اند و چه بواسطه اینکه خودشان مدتی متصدی امر صندوق داری و خزانه داری بوده اند اطلاع حاصل کرده اند و حالا مستخدمینی که از آمریکا می آیند دوسه نفر از آنها مأمور خزانه هستند و دوفر آنها برای مالیات مستقیم هستند اینها در مرکز هستند و حالا بر فرض اینکه ما فرض بکنیم که آنها بعضی آمدن در مرکز بشینند و مشغول کار بشوند خیلی خوب هم می توانند در چند روز مطلع شوند و معایب و نواقص کار را دانستند و در این مملکت بطور صحیح ترتیب تفتیش را فراهم کنند ولی در مرکز هستند تفتیش آنها که در مرکز نباید باشد باید در ولایات باشند در محل های دور باید تفتیش گردد که پول می رسد یا نمی رسد تفتیشی که ما اینجا در نظر داریم همین که ببینیم وجود در همان محلها مصرفی که تصویب می کنیم می رسد یا نمی رسد واضح تر عرض کنم اگر گفته میشود در فلان محل ماهی پنج تومان یا شش تومان

بسر باز داده شود ببینیم او داده میشود یا نمیشود یا آن عده در آنجا هست یا نیست برای کار چه خواهیم کرد باز برای این کار باید رجوع بامورین اروپائی دیگر کرد اگر این مأمورین راهم تازه بخواهیم بیاریم گذشته از این که این اسباب ترویج کاری شود آنها هم يك مدتی باید کار بکنند که اطلاعاتی حاصل کنند تا بتوانند بخوبی از عهده وظیفه خودشان بر آیند الان هم همیستی که برای تفتیش تعیین شده است بطوری که در راپورت کمیسیون ملاحظه فرمودید قید شده است که مرکز مرکب باشد از ۱۴ نفر که ۷ نفر آنها از مستخدمین اروپائی باشد که فعلاً در تهران هستند و ۷ نفر از ایرانی هائی که در وزارتخانه های مختلفه تعیین می شود بعد آنها نظامنامه و موادی که راجع به ترتیب تفتیش می نویسند که در ولایات بتوسط آن مأمورین اروپائی که در سرحدات و در ایالات هستند بموقع اجرا گذاشته شود که بتوسط مأمورین که از این جا مأمور میشوند باید مدتی با اروپائیان کار بکنند و راه را یاد بگیرند بعد مشغول کار شوند در صورتی که امروز امریکائی های آیدان جایك دستوری برای کار بکنند باز ناچاریم بگوئیم بتوسط این مأمورین اروپائی که در ولایات داریم بموقع اجرا بگذارید یا این که بگوئیم که باز باید يك عده دیگری از آمریکا وارد کنیم برای این که بروند در ولایات و ایالات و آنها را اجرا کنند و البته تصدیق می فرمائید که چقدر مدت لازم دارد از برای این که این مسئله بمجلس بیاید و از مجلس بگذرد و آنها را بخواهیم و این تویق شما نتیجه اش چه خواهد شد و این ترتیب تفتیش که فعلاً دولت در نظر دارد و مشغول هستند عرض کردم این وجه استقراض از يك نقطه نظر خیلی اهمیت دارد ولی تفتیش چهار پنج کرور چندان مطلبی نیست و اینقدر چیز مهمی نیست و اگر فرض کنید که ده کرور برای مخارج قشونی تحصیل شود قرار گذاشتید که ۳ کرور آنرا از وجه استقراض بدهند و ۷ کرور را از مالیه مملکت چه فایده خواهد داشت که در ۳ کرور تفتیش بکنیم و در ۷ کرور تفتیش بکنیم باید تمام ده کرور را تفتیش بکنیم و همچنین سایر موارد مملکت را که بمصارف این مملکت برسد آنها راهم باید تفتیش بکنیم تا این که بتوانیم نتیجه از تفتیش ببریم والا اگر هم خودمان را مصروف این بکنیم باین که در يك قسمت تفتیش بکنیم و در يك قسمت تفتیش نکنیم این هیچ فایده نخواهد داشت لایحه که بنویسند در کمیسیون هیئت تفتیشیه ملاحظه خواهند فرموده می نویسند که هیئتی در مرکز بهمین شکل که مرکب شده اند معین شوند برای کلیه عواید مملکت و در ایالات و ولایات بتوسط همان مأمورین اروپائی که در نقاط دیگر هستند بموقع اجرا بیاورند و در نقاطی که مأمورین اروپائی نیست از قبیل نقاط مرکزی مملکت در این جا با هم مأمورین اروپائی سیار بفرستند و معلوم است اروپائی هائی که چند سال است در ایران هستند و در کار هستند و نکات عمده تفتیش را می دانند اینها بهتر می توانند تفتیش

بکنند اینکار در همان محلها و در هر نقطه باشد فرق نمی کند و قبلاً اگر بخود آن آمریکائی ها تکلیف بکنید که يك وجهی می خواهیم ما استقراض بکنیم و در آن مخارج می خواهیم تفتیش بکنیم شما يك ترتیب تفتیش از برای مخارج بدهید این وجوه بمصارف حقیقی خودش برسد یقیناً با خواهند خندید که ما معجزه نمی توانیم بکنیم و باید يك مدتی بمانیم تا اطلاعات پیدا بکنیم (مسئول) یکی از اشخاص مدیر و اداره کن بود در مملکت خودش مسبوق هستند پنجسال اینجا بود تا توانست يك اداره گمرکی دائر کند حالا اینها هم يك مرتبه چه می توانند بکنند علم دارند عمل را هم در جای خودش دارند اما درجائی که آنها هیچ اطلاعی ندارند نمی توانیم از آنها يك مرتبه يك چنین توقعی بکنیم بنده عرض نمیکنم که آنها بالاخره هیچکاری برای ما نمی کنند خیلی کار می کنند خیلی هم استفاده خواهیم کرد از آن ها لیکن اینکه آنکارا بگذاریم تا آنها بیایند این توقعی است که بی نتیجه خواهد بود نهایت نظریکه می فرمائید چون در ایران نداریم اشخاصی که علم این کار را داشته باشند این را تصدیق داریم که این قبیل اشخاص نیستند ولیکن هستند اشخاصی که اطلاع دارند و می توانیم با آنها واگذار کنیم که این کار را بکنند چنانچه حالا گذشته ازین که گمرک يك اداره مرتب است در وزارت خارجه يك عملی بود راجع بعمل عواید وزارت خارجه عایدات تذکره و یارانه عایدیهای دیگران يك ترتیب تفتیش از دو سال قبل در اینها دادند بتوسط همین مأمورین اروپائی سرحدات که عایدات آن بواسطه این تفتیش در دو سال قبل باین طرف سه برابر سه سال قبل شده و این ترتیب بتوسط همین مأمورین اروپائی شده و آن از یاد عایدی بواسطه تفتیش است و بواسطه این است که این تفتیش در دست اشخاص صحیح ولایت بوده است که عایدات زیاد شده است همین اداره گمرک صورت آن را بخواهید ببینید که نتیجه هفت سال قبلشان تا امروزه چه بوده است این تفاوت از راه این است که آنوقت اطلاع کامل نداشتند بقدر امروز بعد از آن که اطلاعاتشان بیشتر شد این نتیجه را بشدید حالا امروزه می دانید دولت احتیاج بوجه دارد و فرض کردن هم می دانید برای هیچ دولتی نك نیست برای اینکه هر دولتی که با بدایره تجدید گذاشت در ابتدای کار ناچار از قرض کردن خواهد بود بجهت اینکه تأسیسات جدید و اصلاحات جدید اساسی محتاج بخرج خواهد بود فرض بفرمائید يك تجاری اگر بخواهد تجارتي بکند باید بدو يك مخارجی بکند و کار را راه بیندازد تا بعد فایده و نتیجه برد هیچ نمیتواند تاجر بگوید اول منافع خود را مشتریها بیاورند بمن بدهند تا اینکه بعد من سرمایه را که جمع کردم و دخل کردم آنوقت مال التجاره به شما بدهم هیچ همچو چیزی نمیشود همین طور است حال یکدیوانی که پایداره تجدید میکند تا چند سال دیگر باید قرض بکند تا بوجه خودش را ترتیب بدهد و ضمناً سعی بکنند عواید خودش را مقابل بکنند با مخارج

این مذاکره میشود که بوجه مملکت ما هنوز نمیدانیم این چیزی نیست که مانند انیم این معین است و روی کافه گذاشته اند و میدانیم جمع بیست و پنج کرور و خرج بیست و هفت کرور یاسی کرور در هر حال يك مبلغی خرج اضافه است اما این را هم می دانیم این سی کرور بیست و هفت کرور خرج این يك مبلغی است که حتماً باید خرج شود ولی در مقابل آن بیست و پنج کرور دخل فعلاً يك چیز موهومی است زیرا که می بینیم در يك فارس تنها دربار سال از باب مالیات ششصد هزار تومان باقی است از خراسان يك قدری باقی است و هنوز تمام وصول نشده است لرستان و بروجرد هنوز وصول نشده است و همچنین در جاهای دیگر آیا میخواهیم به بینیم که در این تغییر حمل از ایت تیل به تنگور تیل يك تغییر کلی و طبیعی در جو ایران شده است که حالا مالیات میدهند و امیدواری که هست این است که از حالا يك اقداماتی بکنند و يك قوای فراهم بیاورند در نقاط مختلفه که بواسطه آن قوا بتوانند مالیات مملکت را در سال آتی وصول بکنند و بتوانند جلو گیری از اشعار بکنند و جلو گیری از اغتشاشات بعضی الوار و اشعار که چند سال است مالیات را نداده اند و گمان میکنند که اگر هر سال اینکار را بکنند از دادن مالیات آسوده خواهند بود بشود در صورتیکه اگر يك پولی بود دولت بدو يك قوای تهیه کرده بود یقین است که این اغتشاشات فراهم نمی شد حالا هم دولت اگر این اقدامات را فراهم بیاورد شاید مالیات خودش را وصول کند و اگر این استقراض را بکنند بدتر خواهد شد از بار سال باز در پارسل يك سرمایه بدست دولت بود که در هر موقع خرج کرد امسال آنهم نیست تصور بفرمائید که اگر این وجهی را که دولت در سه ایت تیل متفرقه خرج کرد اگر بگمراه بدست دولت میآید میتواند استند يك استمدادی قبل در آن نقاط حاضر داشته باشند محتاج باین خرج فوق العاده نبودند و نتیجه هم می گرفتند در صورتیکه حالا می بینیم پول رفته و اثری هم باقی نگذاشته است زیرا هیئت دولت همه منتظر بودند هر جایك صدائی بلند میشد بیخواب می افتادند که برحمت زیاد وجهی برای تهیه وسایل جلو گیری فراهم میکردند معلوم است اگر قبلاً پنجاه هزار تومان بایست خرج شود شاید در موقع گرفتاری صد هزار تومان دو برابر یاسه برابر خرج میشد این مسلم است اگر يك وجهی دولت تهیه کرده بود که بآن میتوانست آن اردوئی که برای شیراز کاشان فرستاده بود نگاهداری کند و حقوق آنها را بدهد و آن قشون را آنجا نگاه بدارد البته محله پهلوها را سر باز دولتی نمی چایید و آن اسباب فراهم نمیشد این مسلم است که اگر رودخانه آبی را هر روز بخواهند يك تل آهک جلو آن بریزند تمام آن آهک صد هزار خورار هم باشد هدر میرود و جلو آن آب بند نمی آید در صورتی که اگر يك مرتبه يك پولی خرج بکنند و يك سدی ببندند شاید صد خورار بیشتر آهک نخواهد پول زیادی هم خرج نمی شود و هم جلو آن آب را بند کرده اند و این محل تردید نیست یا ارسال تا حالا ممکن بود اگر دولت پول حاضر میداشت این پولهای را که داده اند و خرج کرده اند و بالاخره نتیجه مطلوبه راهم نگرفتند به نصف بابه نك او که خرج نکنند این نتیجه را بگیرند حالا که

نکردند اینطور شد حالا هم نظر دولت بهمین مسئله است که از حالا که ابتدای بهار است استمدادی حاضر بکنند معلوم است اغتشاشات همیشه در موسم گرفتن مالیات بروز میکند و باید در این نقاط مختلفه مخصوصاً آنجاها که مالیاتشان را نداده اند استمدادی حاضر بکنند که مالیات را بگیرند اگر این استمداد را حاضر نکنند مسلم است مالیات امسال هم مثل بار سال خواهد شد آنوقت لازم نیست بفرمائید بیست و پنج کرور عایدات داریم بفرمائید سی و پنج کرور بفرمائید پنجاه کرور وقتی که بشناسد وصول شود بفرمائید هزار کرور اینصورت بوده که آورده اند این يك چیزی است که همه میدانیم که در این بوجه چیست و در این بوجه چه نوشته اند و چه وصول میشود و چه وصول نمیشود عنوان دیگری اگر بشود این دیگر تجاها و واضع است يك چیزی را می بینیم میگوئیم نمی بینیم این چراغ را می بینیم روشن است و میگوئیم روشن نیست اگر برای تفتیش است ترتیب تفتیش هم آنطوریکه فرمودند برای اول کار است و تصدیق هم بفرمائید که اینها فعلاً بهتر از کسانی هستند که تازه وارد خواهند شد اگر مطلب دیگری است بنده نمیدانم

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی نیست ؟
و خید المملک - خیر کافی نیست (بعضی گفتند کافی است)

رئیس - رأی میگیریم باینکه مذاکرات کافی است یا خیر آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (با کثرت ۲۸ رأی تصویب شد)

رئیس - حالا رأی میگیریم در اینکه داخل در مواد بشوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت (۱۰) رأی تصویب شد . راپورت ششم پنجم راجع به نماینده کروس جزء دستور امروز است و باید رأی گرفته شود . (راپورت مزبور به هیئتی که در جلسه سابق خوانده شده بود قرائت شد)

افتخار الواعظین - چنانچه نظامنامه انتخابات بنظر مبارک آقایان رسیده است آنجا يك بقیدی دارد که بنده آن قید را با راپورت ششم مخالف می دانم در نظامنامه انتخابات می گویند مستخدمین نظامی بری و بحری که مشغول خدمت باشند آنها از انتخاب شدن معزوم هستند معلوم می شود اگر کسی از اهل نظام دولت او را مأمور کرده باشد مثلاً ساخو باشد در بوشهر اگر اینجا انتخاب بکنند معلوم است مطابق این ماده و این قید البته انتخاب او صحیح نخواهد بود اما اگر کسی داخل در مأمورین نظامی است ولی داخل در خدمت نیست یعنی مأمور محلی نیست مثلاً يك کسی سر تپ فوج است خودش و فوجش از طرف دولت امروز مأمور نیست باینکه در يك محلی ساخو باشد یا اینکه مرخص باشند خودش و فوجش در منزلشان مشغول خدمت نظامی نباشند موافق آن بقیدی که در نظامنامه هست اگر انتخاب کنند انتخاب او صحیح خواهد بود حالا اینجا باید فهمید که سالار الملک که سر تپ يك فوجی است آیا در موقع انتخاب از طرف دولت مأمور هم بوده است و از طرف وزارت جنگ باو مأموریتی داده شده و در خدمت بوده که انتخاب شده اگر اینطور است البته انتخابش باطل است و اگر

چنانچه از طرف وزارت جنگ بيك ستمی مأموریت نداشته است فقط سر تپ بودن را با اینکه مرخصی باشد و در خانه خودش باشد بنده او را کافی از برای بطلان انتخاب اونی دانم و باید تحقیق کرد که مأمور بوده است یا خیر .

حاج عز المملک - اینجا باید دانست مقصود از معزوم بودن اوست که داخل در خدمت نظامی بوده است از وزارت جنگ در همین خصوص سؤال شد وزارت جنگ اینطور نوشته در جواب که سر تپ بود و حالا هم هست بخورد سالار الملک شرحی نوشته بود و تقاضا کرده بود که در این باب در شمع حاضر شود توضیحاتی بدهد و مطالب خودش را بگوید و رسیدگی شود او که حاضر شد در حضور خود او صحبت شد و اقرار کرد که فوج کروس در تحت اداره اونیست فقط چیزیکه اونی گفت که از طرف او یک نفر سر تپ با فوج مأموریتی داشته است بوده است و در موقع انتخاب او آن سر تپ آن فوج را به کردستان برده است و فقط همان طور که فوج در خانوادگی او بوده است همانطور در اداره او بوده است و کت در این خصوص تصدیق از وزارت جنگ هم دارم و خواهم فرستاد و امروز آن تصدیق را فرستاده و بنده عرض خواهم کرد و بعد در مجلس در این خصوص قاطع خواهد بود (تصدیق وزارت جنگ بمضمون ذیل قرائت شد)

آن سالار الملک بطوری که در جواب مجلس شورای ملی نوشته شده چنانچه سر کرده این فوجیه ولی دوسال است طهران هستند قانچایان سر تپ سر باز و با فوج مأمور کردستان و سر خدمت بودند و چنانچه مالی در (آکتی و ته) نبوده اید شهر ریخ انانی (از طرف وزیر جنگ امیر اعظم)

حالا معلوم است که این ماده ترجمه شده از قانون اروپا است و گمان نمی کنم که اینجا این سر تپ باشد که يك کسی سر تپ باشد فوج هم در اداره اش باشد و داخل در نظام نباشد آنجا نمی دانم همچو ترتیبی هست یا نیست اگر نبود که می شود انتخابش کردا کر هست نمی شود انتخابش کرد معقلاً این فوج در اداره او بوده است و او خودش سر تپ در (آکتی و ته) وزارت جنگ مأمور بوده است در محل مأموریت می گوید من طهران بوده ام و سر تپ دیگری سر کردگی آن فوج را کرده است و در اداره من نبوده حالا بنده برای مجلس است .

شعبه پنجم عقیده داشت که چون داخل در نظامی بوده و يك فوجی هم در اداره او بوده است آن داخل در نظام است و بموجب ماده سوم و چهارم نظامنامه انتخابات با اتفاق حاضرین شعبه رأی به بطلان انتخاب او دادند .

حاج آقا - عرض دارم .
رئیس - مخالف هستید .
حاج آقا - خیر سئوالی داشتم اگر جواب بدهند
رئیس - سؤال بفرمائید .
حاج آقا - عرض می کنم این راپورتی که داده اند مطابق سئوالی که شده و از طرف وزارت جنگ جواب نوشته شده است همچو می فهماند که این شخص در خدمت نظامی نبوده چون بعضی

مناصب هست که داخل در خدمت نبوده و نیستند
اگر این ترتیب بوده است و داخل در خدمت نبوده
مثل سر تیب های سابق که خارج از فوج می گفتند
این هیچ مانع انتخاب او نخواهد بود باید اعتبارنامه اش
را صحیح دانست .

رئیس - این سؤال نیست .

حاج آقا - بلی سؤال می کنم ولی باین-
طوری که مخبر محترم شعبه بیان کردند من
واقفاً نفهمیدم که این سر تیب است و فوج دارد
یعنی مواجب بگیر دولت است یا آن که منصب
او افتخاری است اگر منصب افتخاری باشد میشود
جزو نظام دانست .

حاج عز الممالک - البته مناصب افتخاری
مانع از انتخاب کسی نیست چنانچه خیلی ها هستند
که صاحب منصب نظامی بوده اند ولیکن در موقع
انتخاب صاحب منصب نظامی نبوده اند در شعبه اینطور
رای داده شده و مدلل شد که اداره کردن یک فوجی
لازم نیست که سر تیب هم-راه باشد مثل اینست که
داخل در خدمت است .

رئیس - - کمان میکنم مذاکرات در این
باب کافی باشد یک اعتبارنامه دیگری هم هست چون
عده کافی نیست میخوانیم آوقت هر دو رأی بگیریم
اگر مخالفی بود طبع و توزیع میشود .

(راپورت شعبه پنجم بعبارت ذیل قرائت شد)
در تاریخ بیست و پنجم شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹
شعبه پنجم چند جلسه متوالی در تحت ریاست آقای
میرزا ملک منعم گردیده در خصوص اعتبارنامه میرزا
لقمان کلیمی که از طرف کلیمیان شیراز - کاشان -
اصفهان - همدان انتخاب شده مذاقه لازمه نموده
چون انتخاب ملل متنوعه در نظامنامه انتخابات مصرح
بیک درجه یا در درجه نیست از طرف کلیمیان تهران
نیز میرزا عزیزالله انتخاب شده صورت مفصل انتخاب
کلیمیان ذیلا بعرض مجلس می رساند انتخاب میرزا
لقمان از نقاط مفصله با اکثریت ۲۸۳ رأی همدان
تاریخ پنجم حوت با اکثریت تامه ۹۷ رأی اصفهان ۱۰
شوال با اکثریت ۳۳ رأی کاشان ۲۲ صفر ۱۳۲۸ با اکثریت
۴۲ رأی شیراز محرم ۱۳۲۸ با اکثریت ۱۱۱ رأی
میرزا عزیزالله انتخاب کلیمیان طهران با اکثریت
دویست و هفت رأی پس از مذاکرات لازمه در
تعقیقات از رئیس شعبه انتخابات وزارت داخله چون
میرزا لقمان نسبت بمیرزا عزیزالله اکثریت آراء
دارد و در نظامنامه تصریح بان انتخاب دودرجه نیست
شعبه پنجم با اکثریت آراء صحت نمایندگی میرزا
لقمان را تصدیق و موکول به رأی مجلس مقدس
می نماید .

رئیس - اول رأی میگیریم بر راپورت شعبه
پنجم راجع بنمایندگروس چنانچه ملاحظه فرمودید
شعبه پنجم تصویب نکرده است انتخاب نمایندگان
اورا آقایانی که موافق هستند با راپورت شعبه قیام
نمایند (با اکثریت تصویب شد) .

راپورت شعبه

رئیس - حالا رأی می گیریم به راپورت

شعبه پنجم راجع بنمایندگلیه بان اگر مخالفی نیست
حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم .
رئیس - پس باید طبع و توزیع شود .
حاج شیخ اسدالله - بنده استرداد میکنم
مخالفت خود را .

عز المملک - بنده مخالفم .

رئیس - پس همان طبع و توزیع می شود
دستور سه جلسه تعیین می شود دستور پنجشنبه ۲۷
راپورت کمیسیون بودجه راجع بورته مورل - لایحه
استقرار دستور شنبه ۲۹ راپورت کمیسیون بودجه راجع
بامتدادسیم بکلیمیا بگان و خونسار و محلات قانون ثبت
اسناد سه شنبه دوم جمادی الاولی شور دوم قانون استخدام
لواجح تشکر به نجف اشرف آقا میرزا احمد فرمایشی
دارید بفرمائید .

آقا میرزا احمد - بعد از تنفس آقای رئیس
بعضی فرمایشات فرمودند و در آخر فرمایشاتشان
یک خطاری بود کلای آذربایجان قبل از وقت
فرمودند چون بنده یکی از وکلای آذربایجان
هستم لازم دانستم که کلمه عرض کنم اینک فرمودند
تلگرافی از آذربایجان آمده است صحیح است
تلگرافی رسیده در روزنامه هم درج شده است
ولی در رسیدن یک همچو تلگرافی نمی شود گفت
که وکلای آذربایجان هم عمل خواهند کرد و کلای
آذربایجان خودشان مسبوق هستند و می دانند که
هر چه بر طبق عقیده شخص خودشان باشد که
لازمه و کالت است عمل بکنند و عمل خواهند کرد
چه موافق باشد آن عقیده شخصی با عقیده اهل
آذربایجان چه مخالف باشد بلکه می خواهم عرض
کنم که تخصیص بیک ولایت مخصوص ندارد و کلای
سایر ولایات هم اگر یک وقتی آنها عقیده در
مطلبی داشته باشند و آن عقیده مخالف باشد با
عقیده اهالی آن ولایتی که از آنجا انتخاب شده اند
آن وکلای بر طبق عقیده خودشان رأی خواهند
داد و از وکالت استعفاء میدهند و کلای آذربایجان اگر
چه غالبشان بلکه تمامشان مخالف بوده اند باین
استقرار باین ترتیبی که دارد می گذرد ولی
هیچوقت خیال نداشتند از مجلس خارج بشوند بنده
سراغ ندارم یک نفر از وکلای که خیال داشته
باشد از مجلس خارج شود و در این مقام هم نیستم
که تصدیق کنم یا رد کنم خارج شدن از مجلس را
که خلاف قانون است یا موافق قانون است مخالف
نظام مجلس است یا موافق نظام مجلس است در-
صورتیکه بعضی اشخاص عالم هم دفاع از این
مطلب کردند و فرمودند خلاف نظم نیست و خلاف
قانون هم نیست مثل مرحوم صنیع الدوله که ایستادند
و علناً فرمودند که این مخالف با نظامات مجلس
نیست و از مجلس بیرون رفتید حالا کار بان مسئله
نداریم ولی نمی دانم چه شد که کاسه و کوزه تمام
بسر و کلای آذربایجان شکست و اخطار راجع
بو کلای آذربایجان شد و این اخطار را بنده قصاص قبل
الجنایه می دانم و هیچ راجع بو کلای آذربایجان
نیست و اول باید عنوانی از طرف وکلای آذربایجان
شده باشد که ما بیرون میرویم بعد آقای رئیس این اخطار
را بکنند .

رئیس - عرض می کنم که بنده اولاً اخطار
نظامنامه نکردم که از نظم خارج شده اید و چون
اطمینان به من نداده بودند قبل از وقت که این
اتفاق خواهد افتاد این بود که اعلام کردم که این
اتفاق نیفتد مقصود این است که سوء تفاهمی نشده
باشد اخطار نظام نامه نبوده است اخطار نظام نامه
بوده عرض می کردم برای اینکه از دایره نظم
خارج شده اید اخطار می کنم این اخطار عین
اعلام بود .

(در این موقع رئیس حرکت کرد) .

[در مجلس یک ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد] .

جلسه ۲۴۰

صورت مشروح روز پنجشنبه ۲۷ شهر

ربیع الثانی ۱۳۲۹

سه ساعت و نیم قبل از غروب آقای مؤتمن الملک
بجای خود جلوس نموده و سه ساعت بغروب مجلس
رسماً افتتاح شد صورت مذاکرات جلسه قبل را
آقای معاضد الملک قرائت نمودند .

(غائبین جلسه قبل)

آقا سید محمد رضا - معین الرعایا - آقا شیخ
ابراهیم زنجانی - آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا
(بدون اجازه غائبین)

حاج شیخ علی خراسانی - مریم ناصر الاسلام
سه ساعت - ادیب التجار چهل دقیقه بوقت مقرر
حاضر نشدند .

مقدمه التجار - به آقای معین الرعایا مدنی است
مریم هستند در صورت مجلس اورا غائب بی اجازه
نوشته اند .

رئیس - اطلاع نداده اند .

خیابانی - در صورت مجلس نطق آقای
رئیس نسبت بو کلاه آذربایجان طوری نوشته شده
است که سوء تفاهم میشود فرمودید اگر وکلای
آذربایجان بخواهند در این امر اقدامی بکنند و از
مجلس خارج بشوند یک دقیقه در این مجلس ریاست
نخواهم کرد و این بود فرمایش سرکار و حال آنکه
در اینجا طوری نوشته شده است که میفهماند که از
آن عملی که دارند معاف خواهند بود خوب است
صراحتاً بنویسند که سوء تفاهم نشود .

رئیس - اینهم مقصود همین است اینجا
نوشته شده است از آن شغلی که بنده سیرده شده
است یعنی شغل ریاست معاف خواهم بود ملاحظه
دیگری نیست ؟

[گفتند خیر]

دستور امروز لایحه استقرار و راپورت کمیسیون
بودجه راجع بورته مورل - چون آقایانی که تقاضا
کرده بودند راپورت کمیسیون بودجه راجع بورته
دکتر مورل در جزء دستور بیاید اصرار دارند که
زودتر بگذرد و چون هیئت وزرا هم تماماً حاضر
نیستند اگر مخالفی نیست آنرا مقدم بداریم .
(اظهار شد - مخالفی نیست)
راپورت کمیسیون فوائد عامه است که مخبر
داده اند راجع بترغیبه تلگراف طبع و توزیع
خواهد شد .